

الگوی جذب و پذیرش دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های ایران

دکتر بهرام نوازی^۱

چکیده:

سیاست جذب دانشجوی خارجی یکی از راهکارهای مؤثر برای معرفی فرهنگ و تمدن کشور به بیگانگان و ایجاد ارتباط مؤثر با آنان در زمانی است که هر یک زمام امری را در کشور خود به دست گیرند. این مهم زمانی تحقق می‌یابد که داوطلبانی نخبه از کشورهایی که حایز منافع ویژه برای کشور باشند جذب گردند و در طول زمان تحصیل چنان آسایش و آرامشی برای آنان فراهم گردد که با خاطری خوش به کشور خود بازگشته و همواره آرزوی دیدار مجدد و ارتباط مستمر با دوستان خود در کشور محل تحصیل خود داشته باشند. برخورداری از یک الگوی مشخص و منسجم در این زمینه که در طول زمان نیز مورد حک و اصلاح قرار گرفته باشد عامل مؤثری برای به ثمر نشستن چنین سیاستی و در نتیجه دستیابی به اهداف عالی فرهنگی و سیاسی کشور می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران نیز از بدو تأسیس خود این رویکرد را در سرلوحه برنامه‌های فرهنگی خود قرار داد و با تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲ که بعدها به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت آن مهم را در سال ۱۳۷۳ به این دانشگاه واگذار نمود تا با تشکیل دبیرخانه مرکزی پذیرش دانشجویان خارجی اقدام کند. اما در سال ۱۳۸۲ سیاست تمرکززدایی گریبان‌گیر موضوع پذیرش دانشجوی غیر ایرانی نیز شد و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بطور موازی با دبیرخانه مرکزی، اقدام به دریافت درخواست‌ها و اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان غیر ایرانی نمود و در سال ۱۳۸۴ بدون تعیین تکلیف دبیرخانه مرکزی، کلیه امور مربوط به بورسیه دولتی را به دبیرخانه مستقر در وزارت منتقل کرد و در ۱۳۸۵ به کلیه دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی اجازه داد تا خود رأساً به پذیرش دانشجوی غیر ایرانی با هزینه شخصی اقدام کنند. این مقاله با بررسی الگوی جذب و پذیرش دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های ایرانی تلاش می‌کند تا مسائل و مشکلات قانونی و اجرایی این روند را تحلیل نماید و راهکار مناسبی برای جابجایی دانشجو که اولویت نخست بین‌المللی کردن آموزش عالی می‌باشد ارائه نماید.

واژه‌های اساسی: آموزش عالی، ایران، دانشگاه بین‌المللی، دانشجویان بین‌المللی، سیاست خارجی

^۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و مدیر پیشین دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

انقلاب اسلامی با وجود تفاوت‌های آشکاری که هم در ایدئولوژی و هم در سیاست با انقلاب‌های دیگر داشت، اما در دشمنی با وضع موجود و سلطه قدرت‌های استبدادی و استعماری در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی و ارائه رویکرد جدیدی برای زندگی بشریت، شباهت بسیاری با همان آرمان‌ها و سیاست‌های انقلاب‌های دیگر داشته است. برداشت رهبران انقلاب اسلامی از نظام جهانی با سلطه استکبار جهانی مترادف بود و از نظر آنان مستضعفان موظف بودند که برای ریشه‌کنی این سلطه مبارزه کنند و در این راه استقامت ورزند. مستضعفان مورد علاقه انقلاب اسلامی نه فقط مردم مسلمان فلسطین و افغانستان بلکه مردم غیر مسلمان جهان سوم مثل آفریقای جنوبی و نیکاراگوئه نیز که قربانیان این نظام سلطه بودند بشمار می‌آمدند. قانون اساسی جمهوری اسلامی با تعیین "سعادت بشر در کل جهان" به عنوان هدف نهایی انقلاب اسلامی، این رویکرد جدید را در مقدمه و فصول مختلف خود مورد تأکید و تصریح قرار داد و حتی آن را در اصل ۱۷۷ خود "تغییرناپذیر" اعلام نمود. هیچ مرز جغرافیایی در مقابل پیام اسلام و انقلاب اسلامی احساس نمی‌شد و امام خمینی (ره) نهضت خود را مرحله‌ای از یک نهضت فراگیر می‌دانست که با تداوم خود بزودی جهان، از جمله جهان اسلام، را در نور خواهد دید. به این ترتیب بود که جمهوری اسلامی با طرح "صدور انقلاب"، خود را برای یک مواجهه جدی با نظام جهانی در همه جبهه‌ها آماده نمود.

"صدور انقلاب" به معنی گسترش انقلاب به خارج از مرزهای شناخته شده ایران و از سوی دولت انقلابی جمهوری اسلامی، از دو انگیزه متفاوت ناشی می‌شد که یکی از حقارت‌ها و سرکوب‌هایی نشأت می‌گرفت که از گذشته گریبان‌گیر ملت مسلمان ایران شده بود و حال که با سقوط استبداد شاهنشاهی، ملت انقلابی و مسلمان ایران به پیروزی و آزادی رسیده، خود را در انواع و اقسام توطئه‌های خارجی گرفتار می‌دید که در پی بازگرداندن وضع گذشته استبدادی بر کشور و ادامه یغما و چپاول کشور از سوی استعمارگران بود. اما انگیزه دوم از یک وظیفه دینی و از اعتقاد به جهان‌شمول بودن دین اسلام و احساس وظیفه برای ترویج آن به اقصی نقاط جهان ناشی می‌شد. در همین زمینه افراد و مؤسسه‌های دینی بسیاری از دیر باز خود را وقف تبلیغ و ترویج دین و آموزش تعالیم اسلامی کرده بودند و برای اینکار تفاوتی میان مردم شهر و روستا یا داخل و خارج کشور قائل نبودند. حوزه‌های علمیه و مراکز اعزام مبلغ قم و مشهد نمونه این قبیل نهادها در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود. دولت جمهوری اسلامی نیز با حمایت از این گونه مراکز و تأسیس مراکز جدید و ادغام آنها در یک مجموعه به نام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت رسمی به تقویت این مهم پرداخت.

این دو انگیزه دست در دست هم داده و موجبات تشدید و تقویت موج "صدور انقلاب" و اعتراض به نظام سلطه

جهانی یا وضع موجود حاکم بر جهان را فراهم کرد. این دو انگیزه کافی بود که انقلابیون مسلمان ایرانی و دولت انقلابی ایران را از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به رویارویی با نظام سلطه جهانی برانگیزد و امکانات و توانایی‌های خود را در چندین جبهه فرهنگی، علمی، سیاسی، پزشکی، اقتصادی و نظامی آرایش دهد. از همین روست که فرهنگ رجایی با تأکید بر اینکه "بسیار دشوار است که بگوییم چه ابزاری برای صدور انقلاب پیشه شد" معتقد است که علت این دشواری وجود "دستگاه‌ها و نهادهای بسیاری بودند که ابزارهای مختلفی را بکار می‌گرفتند."

از میان این تلاش‌ها، سیاست پذیرش دانشجوی غیر ایرانی در دانشگاه‌های ایران است و این مقاله ضمن مراجعه به قوانین موضوعه و اسناد مربوطه تلاش می‌کند تا علل و انگیزه‌های جمهوری اسلامی ایران در پذیرش دانشجوی غیر ایرانی را شناسایی و تحولات سیاست‌های مربوطه در طول دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از تمرکزگرایی تا تمرکززدایی و از فردگرایی یا ساختارگرایی، را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. تضاد میان قوانین موضوعه، اختلاف میان نهادهای مسئول، و همچنین ناتوانایی‌ها و کمبودهای آموزشی و رفاهی موجود در تأمین اهداف مورد نظر در سیاست پذیرش دانشجوی غیر ایرانی مورد توجه این پژوهش است که با استفاده از مشاهدات شخصی، نظرات کارشناسان دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی که عهده دار مسئولیت دبیرخانه پذیرش دانشجو در دفتر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) در دربند تهران بودند و همچنین بایگانی مکتوب و نرم افزاری این دفتر و در نهایت طرح یک پرسشنامه و توزیع آن در میان دانشجویان غیر ایرانی شاغل به تحصیل در دانشگاه اطلاعات فراوانی بدست آمد که بدون کاربرد نرم‌افزار آماری SPSS، کشف فراوانی‌ها غیر ممکن و شناسایی موانع و مشکلات موجود در روابط اجتماعی دانشجویان غیر ایرانی با دانشجویان ایرانی دشوار می‌نمود. امیدوارم که در پایان بتوانم راهکار مناسبی برای جابجایی دانشجو که اولویت نخست بین‌المللی کردن آموزش عالی است ارائه نمایم.

سیاست جذب دانشجوی غیر ایرانی و تحولات آن

توجه و تأکید رهبران انقلاب اسلامی مبنی بر استفاده از علم و توسعه علمی کشور و همچنین تقویت بنیان علمی مسلمانان و مستضعفان جهان که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت بی‌تردید ناشی از ارج و منزلتی بود که اسلام از بدو ظهور برای همه گونه علوم و فنون نظری و کاربردی در همه رشته‌ها قائل بود. بند ۶ از اصل ۲ قانون اساسی یکی از پایه‌های جمهوری اسلامی را "کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا" دانسته که "از راه استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها ... تأمین می‌کند." بر طبق اصل ۳ نیز دولت جمهوری

اسلامی موظف شد که برای دستیابی به این هدف به "بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها" (بند ۱) و "تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت" اقدام کند. به این ترتیب از نظر جمهوری اسلامی ایران علوم و فنون و وسایلی مادی برای نیل به هدف دینی که همان کرامت و ارزش والای انسانی باشد بوده است.

این موضوع و همبستگی و همراهی علم با دین در وصیت‌نامه امام خمینی (ره) نیز مورد تأکید قرار گرفته بود و از نظر وی این دو به عنوان دو "بزار جهان‌شناسی و در خدمت بشر" بشمار می‌رفت و بر لزوم تربیت دانشمندان "در رشته‌های دیگر علوم به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام" اصرار می‌ورزید. امام خمینی در پیام مشهور به منشور روحانیت در ۳ اسفند ۱۳۶۷ پس از اعلام انزجار از حوادث و وقایعی که منجر به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شده بود به جوانان ایرانی سفارش کرده بود که خود را "برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی" آماده کنند و به مقامات ایرانی هم توصیه نمود که "به هر شکل ممکن، وسایل ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را" فراهم سازند و آنان را "تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها" همراهی کنند و "روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه" دارند. از نظر وی این "مبارزه علمی" می‌توانست برای جوانان موجب زنده شدن "روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌ها" گردد و شکل مکمل "مبارزه عملی آنان، در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت" باشد.

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، مقام رهبری، نیز علم جایگاه ویژه و اهمیت بالایی در "صدور انقلاب" دارد تا آنجا که چنین اعلام می‌دارد: "یک ملت با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست والا را در دنیای سیاسی حائز شود." این موضوع در گفته‌های یک سردار سپاهی، تناسب بیشتری با موضوع این پژوهش پیدا کرده است. وی در مصاحبه‌ای اعلام کرد "سنگر علم مهمترین سنگری است که امنیت جامع ما را در دنیای کنونی تأمین می‌کند."^۱

یکی از ابعاد این تلاش علمی برای "صدور انقلاب" اسلامی، در سیاست پذیرش دانشجوی غیر ایرانی نهفته بود و در این جهت مراکز دولتی و عمومی غیر دولتی مختلفی فعالیت می‌کنند و ابزار عمده آن آموزش مسلمانان و غیر مسلمانان غیر ایرانی بر طبق آموزه‌های اسلامی و انقلابی و همچنین توسعه علم و کسب بالاترین درجات علمی بوده و امید می‌رود که ضمن حفظ امنیت جامع جمهوری اسلامی بتوان به کمک آن جمهوری اسلامی و دستاوردهای آن را به جهانیان معرفی کرد. برخی از این مراکز همچون مرکز جهانی علوم اسلامی که از سال ۱۳۶۵ عهده‌دار آموزش و تربیت طلاب غیر ایرانی علوم دینی سراسر

جهان بوده است زیر نظر مستقیم مقام رهبری قرار دارند یا همچون دانشگاه امام صادق (ع) که به عنوان اولین دانشگاه غیردولتی در سال ۱۳۶۱ پایه گذاری شد، مقام رهبری بعنوان عضوی از هیئت امنای آنها در اداره آنها نظارت دارد و برخی نیز وابسته به دولت و وزارتخانه‌های دولتی هستند که از جمله اینها دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشد.

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) از دو ویژگی منحصر به فرد برخوردار است که آن را از دیگر مراکز آموزش عالی کشور متمایز ساخته است: نخست این که این دانشگاه، تنها مرکز آموزش عالی کشور است که بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی تأسیس یافته است. "قانون تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران" در ۲۴ ماده و ۵ تبصره در جلسه ۱۹ دی ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی تصویب و در ۲۹ دی ۱۳۶۲ به تأیید شورای نگهبان رسید و طی نامه شماره ۴۶۰۳/۱ مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۴ از سوی رئیس جمهور برای اجرا به نخست وزیری ابلاغ گردید.^۲ این قانون به اهداف، ساختار و مقررات استخدامی هیئت علمی و گزینش دانشجویان داخلی و خارجی و دیگر مقررات اداری و مالی پرداخته است و با تصویب آن کلیه قوانین و اساسنامه‌های مغایر منسوخ گردید. ماده ۱ این قانون، دانشگاه را "یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی" معرفی می‌کند که زیر نظر "وزارت فرهنگ و آموزش عالی" (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کنونی) به منظور "معرفی فرهنگ و تمدن و معارف اسلامی که بزرگترین حامی علم و عالم در جهان بوده است و احیاء شیوه تعلیمی و تربیتی آن" تشکیل شده است.

از دیگر اهداف این دانشگاه عبارت است از: الف) بهره‌گیری از علوم و فنون بر اساس موازین اسلامی ب) تربیت متخصصان متعهد به منظور بی‌نیازی علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی و کشورهای مستضعف از جوامع مستکبر و سلطه‌جو، عالمان غیر مسلمان و غیر متعهد، ج) گسترش و تحقق فرهنگ اسلامی در جهان اسلام، د) نشر فرهنگ و معارف اسلامی در سطح بین‌المللی، ه) برقراری ارتباط با شخصیت‌ها و مراکز علمی جهان بویژه شخصیت‌ها و مراکز اسلامی، و) کمک به گسترش تحصیلات عالی کشور.

ویژگی دوم این دانشگاه برخورداری از انحصار آموزش و تربیت دانشجویان غیر ایرانی متقاضی تحصیل در ایران بوده است و تنها به این دانشگاه اجازه جذب دانشجوی خارجی داده شده است. واژگان بکار رفته در عنوان این دانشگاه حاکی از رویکردهای چند جانبه‌ای است که در تأسیس این نهاد علمی مورد توجه بوده است. منظور از "بین‌المللی" بودن دانشگاه، جذب و پذیرش دانشجویان کشورهای مختلف جهان برای آموزش در دوره‌های مختلف دانشگاهی بود. با وجود رسمی بودن

زبان فارسی در کشور، اهمیت بین‌المللی دانشگاه موجب شده بود که در ماده ۶ علاوه بر زبان فارسی، "تدریس به زبان عربی و اردو و سایر زبان‌ها" نیز "بر حسب نیاز مجاز" شمرده شود و در ماده ۲۰ نیز به دانشگاه اجازه داده شود که "در صورت ضرورت با رعایت اصل ۸۲ قانون اساسی به استخدام متخصصان خارجی حتی الامکان مسلمان واجد صلاحیت علمی، اخلاقی و دینی اقدام کند" و یا "عده‌ای از فارغ‌التحصیلان برجسته مسلمان و متعهد دوره‌های عالی (لیسانس یا کارشناس به بالا) را برای احراز تخصص به خارج اعزام نماید".

دانشگاه بین‌المللی در این قانون "اسلامی" خوانده شده چرا که از جمله شرایط سنگین پذیرش داوطلبان اعم از ایرانی و غیر ایرانی، مسلمان بودن و برخورداری آنها از تعهد و التزام عملی به تعالیم اسلامی بوده است. ماده ۲۱ در این باره چنین اعلام داشته است:

دانشجویان این دانشگاه از میان داوطلبان داخلی و خارجی مسلمان و متعهد به اسلام و ملتزم عملی به دستورات آن به شرح زیر انتخاب می‌شوند: الف) دانشجویان داخلی، بر طبق ضوابط گزینش دانشجویان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور، ب) دانشجویان خارجی بر اساس رسیدگی به پرونده داوطلبان و ضوابط مربوط توسط دانشگاه تنظیم و پس از تصویب وزارت فرهنگ و آموزش عالی بوسیله وزارت امور خارجه (نمایندگی‌های سیاسی ایران) اعمال می‌شود.

تبصره ماده ۲۱ نیز که تذکر می‌دهد "تعداد دانشجویان داخلی دانشگاه در هر نوبت گزینش نباید از یک سوم ظرفیت آن کمتر باشد" در واقع بدین معنی بوده است که این دانشگاه با وجودی که بعنوان مرکز پذیرش دانشجوی غیر ایرانی بشمار می‌رود اما تعداد این دانشجویان نباید از دو سوم کل دانشجویان بیشتر شود بلکه دانشجویان غیر ایرانی باید در معاشرت با دانشجویان ایرانی انس پیدا کرده و با فرهنگ اسلامی و انقلابی ایرانیان بطور عملی آشنایی پیدا کنند. به این ترتیب از نظر قانونگذاران، تنها ادامه تحصیل مسلمانان متعهد کشورهای دیگر در داخل کشور مجاز شمرده شده بود و آن هم باید از مجرای خاصی و تنها با پذیرش در "دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران" صورت می‌پذیرفت.

اساسنامه این دانشگاه که علاوه بر اهداف، ارکان تصمیم‌گیرنده این نهاد را مشخص می‌سازد در ۳۰ تیر ۱۳۷۷ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و در ۱۵ شهریور ۱۳۷۷ به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ابلاغ گردید.^۳ در این اساسنامه از دانشگاه بعنوان "مؤسسه‌ای آموزشی، پژوهشی و فرهنگی زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری" یاد شده که به منظور "معرفی فرهنگ و تمدن و معارف اسلامی که بزرگترین حامی علم و عالم در جهان است و در راستای احیای شیوه‌های تعلیمی و تبلیغی آن" با اهداف زیر تأسیس شده است:

- ۱) گسترش و تحقق فرهنگ اسلامی در جهان اسلام،
- ۲) نشر فرهنگ و معارف اسلامی در سطح بین‌المللی،
- ۳) شناساندن شخصیت‌های جهان اسلام برای تعمیق فرهنگ اسلامی،
- ۴) بهره‌گیری از علوم و فنون در راستای فرهنگ اسلامی،
- ۵) تربیت متخصصان متعهد به منظور خود اتکایی علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی و
- ۶) کمک به گسترش تحصیلات عالی کشور

در این اساسنامه به ملزومات واقعی توجهی بیشتر از گذشته صورت گرفته و میان "جهان اسلام" و صحنه بزرگتر "بین‌المللی" تفاوت و فاصله‌ای در نظر گرفته شده است که هدف دانشگاه برای جهان، ترویج و "نشر فرهنگ و معارف اسلامی" و برای جهان اسلام، "گسترش و تحقق فرهنگ اسلامی" تعیین گردیده است. توجه به زبان فارسی نیز از دیگر اهرم‌های مؤثر در این زمینه دیده شده و در ماده ۲ اساسنامه، زبان فارسی را برای تدریس در دانشگاه الزامی دانسته و تدریس به سایر زبان‌ها را تنها "بر حسب نیاز و ضرورت" و مشروط به "پیشنهاد شورای دانشگاه و تصویب هیئت امناء" مجاز شمرده شده است. بر اساس این اساسنامه هیئت امنای دانشگاه که رکن نخست دانشگاه بشمار می‌رود متشکل از رئیس جمهور بعنوان رئیس هیئت امناء، وزیر فرهنگ و آموزش عالی بعنوان نایب رئیس، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزیر امور خارجه، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، چهار تا شش نفر از شخصیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور که نقش مؤثری در توسعه و پیشرفت دانشگاه داشته باشند و رئیس دانشگاه بعنوان دبیر شورا می‌باشد.

بند ۱۵ از ماده ۵ اساسنامه "طرفیت دانشجو در هر سال" را "با رعایت اولویت دانشجوی خارجی به نحوی که تعداد دانشجویان خارجی از نصف کمتر نباشد" تعیین کرده بود. وقتی این بند از اساسنامه را در کنار تبصره ماده ۱۹ قانون تأسیس "دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران" بگذاریم متوجه می‌شویم که دو حداقل برای تعداد دانشجویان این دانشگاه تعیین شده است یک حداقل یک سوم برای تعداد دانشجویان داخلی (تبصره ماده ۱۹ قانون) و یک حداقل نصف هم برای تعداد دانشجویان غیر ایرانی (بند ۱۵ ماده ۵ اساسنامه). این بدین معنی بود که توسعه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی باید در درجه اول بر پایه افزایش دانشجویان غیر ایرانی آن باشد و تنها با افزایش تعداد این دانشجویان می‌توانست به تعداد دانشجویان ایرانی خود بیافزاید.

تغییرات و تحولات یاد شده تنها به قانون تأسیس و اساسنامه محدود نمی شد بلکه از رویکردهای متفاوت و بعضاً متضادی ناشی می شد که با به قدرت رسیدن جناح‌های مختلف در درون نظام و از طریق بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز صادر می شد.

نخستین "آیین‌نامه پذیرش دانشجو از خارج از کشور جهت ادامه تحصیل در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور" در ۵ ماده و در ۱۳۶۲/۲/۹ به امضای وزیر وقت فرهنگ و آموزش عالی رسیده بود. در مقدمه این آیین‌نامه که پیش از تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران صادر شده بود هدف از این سیاست را "گسترش روابط علمی و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر جهان و عرضه بخشی از امکانات تحصیلی کشور بر اساس جهان بینی اسلام به جوانان مستعد سایر کشورها خصوصاً کشورهای اسلامی و مستضعف و فراهم آوردن تسهیلات برای شناساندن بهتر انقلاب اسلامی" ذکر شده بود. آیین‌نامه مورخ ۱۳۶۵/۷/۳۱ که پس از تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران تهیه و امضا شده بود با عنوان "آیین‌نامه پذیرش دانشجو از خارج از کشور جهت ادامه تحصیل در دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران" در تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۲۶ به شماره ۱۱/۲۵۶۹۷ خطاب به دکتر محمود بروجردی، نخستین سرپرست این دانشگاه ابلاغ گردید. اهداف و نحوه پذیرش در این آیین‌نامه شباهت بیشتری با آیین‌نامه پیشین داشت تا با قانون تأسیس این دانشگاه چرا که بی توجه به بین‌المللی بودن زبان تدریس در دانشگاه و انحصار در پذیرش دانشجوی مسلمان متعهد هدف از این سیاست را "معرفی و نشر فرهنگ اسلامی، تربیت متخصصین متعهد و گسترش روابط علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر بویژه ملل مسلمان" ذکر کرده بود و پذیرش قطعی افراد را "منوط به دانستن زبان فارسی و یا گذراندن موفقیت آمیز دوره زبان فارسی" کرده بود. (بند و، ماده ۳)

آیین‌نامه شماره ۷ که با عنوان "آیین‌نامه پذیرش دانشجویان خارجی" در ۱۳۷۳/۳/۲۷ به امضای محمد رضا هاشمی گلپایگانی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی و سید علیرضا مرندی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسید نخستین آیین‌نامه مشترک میان دو وزارتخانه بود. در این آیین‌نامه برای نخستین بار به قانون تأسیس ولی با نام جدید "دانشگاه بین‌المللی امام خمینی" و مصوبه ۱۳۷۱/۲/۱۰ شورای عالی تبلیغات خارجی استناد شده بود که بر اساس ماده اول آن "مرجع بررسی اولیه درخواست‌های متقاضیان خارجی اعم از مقیم ایران یا در خارج از کشور برای ادامه تحصیل در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) می باشد." در تبصره این ماده تصریح شده بود که "کلیه سازمان‌های دریافت

کننده تقاضای داوطلبین باید پرسشنامه و مدارک دریافتی را مستقیماً برای انجام رسیدگی‌های لازم به دانشگاه مذکور ارسال دارند.^۱ تبصره ۱ از ماده ۲ به دانشگاه اختیار داده بود که برای آن دسته از داوطلبانی که ارزش دیپلم آنها با دیپلم ایران برابری نمی‌کند دوره‌های تکمیلی به میزانی که خود لازم می‌داند بگذارد تا داوطلبان^۲ پس از گذراندن دروس پیش دانشگاهی برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های معین معرفی شوند.^۳ بر اساس بندهایی از ماده ۵، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) مسئولیت داشت تا در زمینه اخذ روادید و پروانه اقامت دانشجویان خارجی از طریق مراجع ذیصلاح اقدام کند و در زمینه امور فرهنگی و فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان خارجی را نیز با هماهنگی دانشگاه‌های محل تحصیل^۴ «برنامه ریزی» کند. الزام به گذراندن دوره آموزش زبان فارسی همچنان مورد تأکید قرار داشت و «پذیرش قطعی افراد منوط به دانستن زبان فارسی یا گذراندن موفقیت آمیز دوره زبان فارسی و دوره‌های تکمیلی و پیش دانشگاهی» شده بود. (تبصره بنده ماده ۳) ماده ۴ این آیین نامه حتی به دانشگاه‌های دیگر اجازه نمی‌داد که هزینه تحصیلی دانشجویان خارجی را خود تعیین نمایند و این مهم به پیشنهاد ادارات کل دانشجویان داخل دو وزارت و تصویب شورای هماهنگی پذیرش دانشجویان خارجی موکول شده بود و ماده ۵ نیز اختیار تعیین ظرفیت پذیرش دانشگاهها در رشته‌های مختلف را برعهده دو وزارت گذارده بود اما در تبصره این ماده «اولویت پذیرش در دانشگاهها را به ترتیب در شهرهای ... ۱- قزوین ۲- تهران ۳- اصفهان ۴- شیراز ۵- مشهد ۶- تبریز» تعیین کرده بود.

«آیین نامه پذیرش دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی جمهوری اسلامی»^۵ که در ۸ ماده در ۱۳۸۴/۵/۱۰ به امضاء جعفر توفیقی و مسعود پزشکیان از وزیران اصلاح طلب کابینه سید محمد خاتمی، رییس جمهور مروج گفتگوی تمدن‌ها، رسید از بروز تغییرات بیشتری حکایت داشت. در مقدمه این آیین نامه «امکان تحصیل داوطلبان غیر ایرانی» در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ایران را در راستای «گسترش روابط علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها» معرفی می‌کرد و بر اساس این آیین نامه تقسیم بندی سه گانه الف، ب^۶ و ج^۷ حذف گردیده و دانشجویان غیر ایرانی به دو دسته بورسیه و غیر بورسیه تقسیم شد. در تبصره ۳ ماده ۱ این آیین نامه بدون توجه به وجود و فعالیت دبیرخانه مرکزی مستقر در دفتر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در تهران، یک «دبیرخانه شورای بورس دانشجویان غیر ایرانی» طراحی شد که بطور موازی عهده دار «تشکیل پرونده متقاضیان و پیگیری مصوبات شورا» بود.

تحولات بعدی در آیین نامه ۱۶ ماده‌ای جدیدی که با امضای محمد مهدی زاهدی و کامران باقری لنکرانی وزیران علوم و بهداشت کابینه محمود احمدی نژاد، رییس جمهور اصول گرا، در اردیبهشت ۱۳۸۵ به امضا رسید صورت پذیرفت. در این آیین نامه ضمن تأکید بر "کارکرد راهبردی" آموزش در "رقابتی گسترده و با ژرفایی عمیق و پهنایی وسیع میان دولت‌ها"، هدف از اعطای بورس تحصیلی را "جذب هر چه بیشتر نخبگان، اندیشمندان و کارشناسان سایر کشورها در جریان" این رقابت دانسته و مسئولیت "جمهوری اسلامی بعنوان ام‌القرای مسلمین" را "خطیر و بس سنگین" و آن را فراتر از گذشته در "حمایت از جوانان مستعد به ویژه جوانان کشورهای اسلامی عنوان نموده است. به این ترتیب و به لحاظ نظری جمهوری اسلامی دیگر خود را محدود به پذیرش داوطلبان مسلمان نکرده و دایره فعالیت خود را گسترده‌تر می‌کرد تا بتواند دانشجویان غیر مسلمان را نیز جذب نماید. گذشته از این در فعالیت‌های فرهنگی خود به زبان فارسی و گسترش فرهنگ ملی نیز توجه خاصی مبذول می‌کرد همان کاری که در عمل از سال‌ها پیش آغاز کرده بود. مراجعه به بیش از ۶۰۰ پرونده پذیرفته شدگان از کشورهای غیر اسلامی مختلف حاکی از آن است که تعداد ۶۵ نفر از اینها از پیروان مسیحیت (۵۲ نفر) و بودایی (۱۲ نفر) پذیرفته شده‌اند. جدول مردودان نیز تأیید می‌کند که کمیته علمی هیچگاه پذیرش مذهب را عامل تعیین کننده در پذیرش یا رد داوطلبان غیر ایرانی بشمار نیاورده است ولی معلوم نیست که چرا غیر مسلمانان، محدود به پیروان این دو آیین شده‌اند و چرا جمله این بوداییان تبعه ژاپن، کره جنوبی، تایلند و ویتنام جملگی زن بوده‌اند. در ماده ۱ این آیین‌نامه اهداف این سیاست بدین شرح اعلام شده است:

۱) گسترش زبان و ادبیات فارسی و ایجاد و تقویت کرسی‌ها و گروه‌های زبان و ادبیات فارسی (۲) گسترش روابط علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر جهان، (۳) حمایت از جوانان مستعد کشورهای اسلامی، (۴) فراهم نمودن بستر مناسب برای شناساندن بیشتر و بهتر جمهوری اسلامی، (۵) معرفی، نشر و توسعه فرهنگ ایرانی اسلامی، (۶) کمک به رشد و توسعه بهداشت و درمان در کشورهای اسلامی و در حال توسعه، (۷) تربیت متخصصان متعهد به منظور کمک به خودکفایی علمی کشورهای اسلامی. علاوه بر اهداف، این تحول دامنگیر ارکان تصمیم گیرنده و بطور کلی سیاست پذیرش دانشجوی غیر ایرانی گردید. رویکرد جدید حاکم بر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر تمرکززدایی استوار شده بود و بر اساس آئین نامه جدید نحوه پذیرش دانشجویان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۵/۱۰ ترکیب کمیته بررسی صلاحیت علمی متقاضیان غیر ایرانی دستخوش تغییر شد.

روند پذیرش و تحولات آن

بر اساس بررسی‌های چندین ساله وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت، قزوین بعنوان مناسب‌ترین محل احداث این دانشگاه انتخاب گردید و این دانشگاه در سال ۱۳۷۱ با ادغام در مجتمع آموزش عالی دهخدا قزوین با نام جدید "دانشگاه بین‌المللی امام خمینی" آغاز بکار کرد. بر اساس آیین نامه ۱۳۶۲/۲/۹ روند پذیرش بصورتی کاملاً متمرکز در محل وزارت تعیین شده بود و داوطلبان پس احراز شرایط عمومی و تأیید مراجع ذیصلاح تنها در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که از سوی وزارت ابلاغ می‌شد می‌توانستند بصورت پرداخت شهریه یا بورسیه وزارت به ادامه تحصیل بپردازند و منعی در پذیرش داوطلبان غیر مسلمان نبود بلکه "متقاضیان کشورهای اسلامی و مستضعف" تنها از "اولویت" برخوردار بودند. (بند ب ماده ۵) اما آیین نامه ۱۳۶۷/۱۱/۲۶ که پس از قانون تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران صادر شده بود با وجودی که دانشگاه هنوز فعالیت آموزشی خود را آغاز نکرده بود، مسئولیت اجرای سیاست پذیرش دانشجوی خارجی را برعهده دانشگاه گذارده بود و بر طبق ماده ۳ دانشگاه ملزم بود که "هر سال در دو نوبت با توجه به ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نسبت به انتخاب و پذیرش تعدادی از داوطلبان واجد شرایط تحصیل در ایران اقدام" کند. به این ترتیب بخش دریافت و بررسی درخواست ادامه تحصیل و انجام استعلام‌ها و اخذ روادید تحصیلی و تعیین دانشگاه محل تحصیل داوطلبان از محل وزارت به دانشگاه انتقال یافت.

بر اساس "آیین نامه پذیرش دانشجویان خارجی" هم که در تاریخ ۱۳۷۳/۳/۲۷ به تصویب شورای هماهنگی پذیرش و تأیید وزیر فرهنگ و آموزش عالی و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وقت رسید، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی مرجع رسیدگی به امور مربوط به پذیرش متقاضیان خارج از کشور تعیین شد و به همین دلیل اداره دانشجویان خارجی این دانشگاه موظف شد تا مدارک و اسناد متقاضیان را بررسی کرده و برای پذیرش داوطلبان بر اساس ضوابط مربوط به کمیته علمی پذیرش دانشجویان خارجی اقدام نماید. بر اساس آیین‌نامه‌ای که در هجدهمین جلسه کمیته علمی در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ به تصویب رسیده بود ریاست این کمیته به معاون آموزشی دانشگاه (ماده ۵) و دبیری کمیته نیز به سرپرست دانشجویان خارجی دانشگاه واگذار شده بود (ماده ۶) و اکثریت اعضا نیز از طرف دانشگاه تعیین می‌شد. در ماده ۷ نیز مکان برگزاری جلسات کمیته علمی در دفتر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در تهران معرفی شده بود.

در پاییز سال ۱۳۷۴ بر اساس درخواست سرپرست وقت دانشجویان خارجی دانشگاه از مدیرکل وقت امور دانشجویان داخل وزارت فرهنگ و آموزش عالی، این وزارتخانه با تشکیل و استقرار یک دبیرخانه مرکزی پذیرش دانشجو در دانشگاه

موافقت نمود تا مسئولیت بررسی و کارشناسی کلیه مدارک و سوابق ارسالی از طریق هیئت‌های اعزامی و یا تقاضاهای شخصی و معرفی نامه‌های دولتی را عهده‌دار شود و مسئولیت این کار تا زمان ورود دانشجو به رشته اصلی در اختیار دانشگاه باشد. دبیرخانه اختیار داشت تا در اواخر تیر ماه و آذر ماه هر سال نسبت به پذیرش قطعی از طریق کمیته علمی و با رعایت اولویت‌های مورد نظر اقدام نماید. بررسی درخواست متقاضیان خارجی تا قبل از ورود دانشجو به رشته اصلی خود به عهده دانشگاه محول شد و پس از ورود دانشجو به رشته اصلی متقاضی تحت قوانین آموزشی معمول وزارتخانه قرار می‌گرفت. دبیرخانه موظف بود که نتایج امور آموزشی دانشجویان خارجی را به اداره کل امور دانشجویان داخل وزارت علوم و بهداشت اعلام نماید.

بر این اساس دانشجویان خارجی پس از گذراندن مراحل پذیرش، مطابق مقررات ملزم به گذراندن دوره‌های فراگیری زبان فارسی و پیش‌دانشگاهی به مدت ۹ ماه بودند و به همین منظور کلیه آنان به مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در قزوین معرفی می‌شدند و پس از گذراندن این مدت اختیار داشتند که وارد رشته‌های این دانشگاه یا برخی دیگر از دانشگاه‌های طراز اول کشور شوند و به این ترتیب نخستین تجربه این دانشجویان از ایران اسلامی و مسلمانان ایرانی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی بدست می‌آمد.

کمیته علمی تا سال ۱۳۷۷ همچنان در دبیرخانه مرکزی واقع دفتر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در دربند تهران مستقر بود ولی از این سال به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتقل گردید در حالی که همچنان مسئولیت دریافت و بررسی درخواست‌های شخصی داوطلبان، معرفی نامه‌های نهادهای مختلف دولتی و همچنین اعزام هیئت‌هایی به خارج از کشور برعهده دبیرخانه مرکزی بود تا اینکه در سال ۱۳۸۲ این مهم نیز به محل وزارت منتقل گردید. در دوره‌ای که از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ ادامه یافت حساسیت ویژه‌ای در تعیین مدیریت این دبیرخانه صورت می‌گرفت بطوری که نامزد این سمت پس از تأیید مرجع اطلاعاتی از سوی رییس دانشگاه منصوب می‌شد و نماینده این وزارتخانه با عنوان "مراجع ذی صلاح"، واحد سرپرستی دانشجویان خارجی را برعهده می‌گرفت تا با استفاده از امکانات و کارشناسان دبیرخانه اقدام به تشکیل و پیگیری پرونده‌های داوطلبان تحصیل در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی یا دیگر دانشگاه‌های ایران بنماید. اما از سال ۱۳۷۹ به بعد وزارت اطلاعات در سیاست‌های خود تجدید نظر کرده و فعالیت دبیرخانه را به دانشگاه واگذار نمود و تنها بر نظارت کلی خود که از سوی یک نماینده خود در کمیته بررسی صلاحیت علمی متقاضیان غیر ایرانی اکتفا کرد. از این زمان تا سال ۱۳۸۲ که دبیرخانه پذیرش

دانشجوی غیر ایرانی در دفتر دانشگاه در دربند تهران مستقر بود سرپرستی دبیرخانه مستقلا از سوی رییس دانشگاه تعیین می‌گردید.

جعفر توفیقی، آخرین وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دولت اصلاحات نیز در بخشنامه‌ای به تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۲ به کلیه دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و غیر دولتی کشور اجازه داد تا با هماهنگی دستگاه‌های ذیربط و هیئت امنای خود "در رشته‌های دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارت نسبت به پذیرش دانشجوی غیر ایرانی اقدام نمایند." (ماده ۱) در این بخشنامه حتی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی اجازه داده شده بود که "در صورت تمایل دوره آموزشی را به زبان دوم - ترجیحا زبان انگلیسی - برگزار نماید. (ماده ۳) به این ترتیب نه تنها تمرکز جذب و پذیرش دانشجو در دبیرخانه مرکزی مستقر در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و همچنین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از میان رفت بلکه انحصار زبان فارسی در آموزش، و استثناء دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در ارائه دروس به زبان خارجی نیز مورد بی توجهی قرار گرفت.

آمار موجود از تعداد پذیرفته شدگان نشان می‌دهد که فعالیت کمیته علمی از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۶ که در دفتر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در دربند تهران مستقر بود روندی مستقیم و رو به رشد داشته بطوری که در ظرف ۴ سال این تعداد را به بیش از ۴ برابر میزان اولیه خود رسانده بود. اما از سال ۱۳۷۷ که این کمیته در محل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری متمرکز گردید تعداد پذیرش به یک باره به حدود نصف خود کاهش یافت و این روند حتی از سال ۱۳۸۲ که دبیرخانه مرکزی در دفتر دانشگاه تعطیل و امر تشکیل و بررسی پرونده‌ها نیز به محل وزارت یاد شده منتقل گردید به فراز و نشیب خود ادامه داده است.

جدول ۱: آمار پذیرفته شدگان ۱۳۷۳- در دبیرخانه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

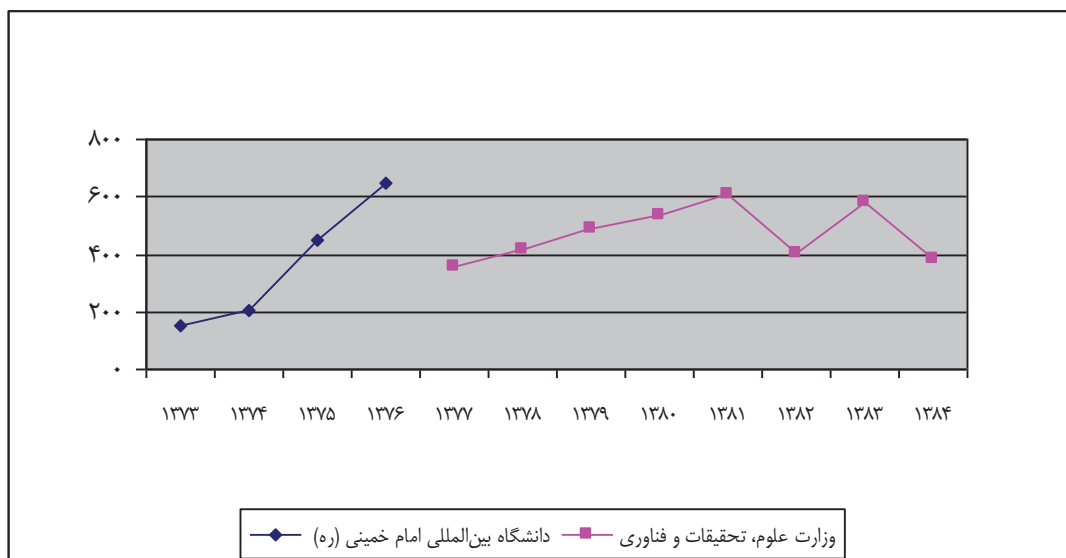
سال	محل کمیته علمی	تعداد پذیرفته شدگان
۱۳۷۳	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)	۱۵۲
۱۳۷۴	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)	۲۰۲

۴۵۱	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	۱۳۷۵
۶۵۰	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	۱۳۷۶
۳۵۹	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۷۷
۴۱۴	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۷۸
۴۹۲	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۷۹
۵۳۷	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۸۰
۶۰۸	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۸۱
۴۰۲	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۸۲
۵۸۰	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۸۳
۳۸۳	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۸۴
۵۲۳۰	جمع	

رییس سابق دبیرخانه مرکزی پذیرش دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه بین المللی امام خمینی، با استناد به "بایگانی رایانه‌ای" این دبیرخانه گزارشی از "رقم پذیرفته شدگان و شاغلین به تحصیل در ایران" ارائه نموده که با واقعیت فاصله بسیاری دارد.^۸ گزارش وی مربوط به دوره "۱۳۷۰ تا ۱۳۸۲" است در حالی که دانشگاه بین المللی امام خمینی در سال ۱۳۷۱ و دبیرخانه پذیرش دانشجوی آن در سال ۱۳۷۳ آغاز بکار کرده بود. اولین صورتجلسه کمیته علمی به تاریخ ۱۳۷۳/۵/۱۹ در دبیرخانه ثبت شده است. در گزارش وی "رقم پذیرفته شدگان و شاغلین به تحصیل در ایران برابر ۲۵۷۸ نفر از ۷۳ ملیت" عنوان شده در حالی که باید میان پذیرفته شدگان و شاغلین به تحصیل تفاوت قائل شد. بایگانی دبیرخانه، حاکی از تعداد کل پذیرفته شدگان است و نه افراد شاغل به تحصیل در ایران و تازه رقم تعداد پذیرفته شدگان از سوی دبیرخانه مرکزی دانشگاه بسیار بالاتر و بالغ بر ۷۳۲۶ نفر است. بعبارت بهتر از آمار بایگانی نمی توان فهمید که دانشجویی که پذیرفته شده اساساً وارد ایران شده یا نه

و اگر هم وارد کشور شده باشد در حال گذراندن دوره آموزش زبان است یا در رشته مورد علاقه خود ثبت نام کرده و وارد دانشگاه شده است. تازه در این حالت هم باز معلوم نیست که دانشجو در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی یا دیگر دانشگاه‌ها مشغول تحصیل شده باشد و این احتمال وجود دارد که برخی از آنان در طول تحصیل بنا به دلایل مختلفی از کشور اخراج یا از ادامه تحصیل منصرف شده باشند.

نمودار ۱: میزان فعالیت کمیته علمی مستقر در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و وزارت علوم



بسیاری از اطلاعات اساساً وارد برنامه رایانه‌ای دبیرخانه نشده و برخی از اطلاعات وارد شده نیز به روز نمی‌باشد. در حالی که آمار بایگانی رایانه‌ای آن رقم ۷۳۲۶ از ۱۰۳ کشور را گزارش می‌کند، برخی گزارش‌های کارشناسان رقم "۷۵۰۰ فقره پرونده" را ذکر می‌کند^۹ و برخی دیگر رقم ۲۶۲۷ را نیز غیر قابل استناد دانسته و چنین اظهار می‌دارد:

این آمار نمی‌تواند بر شاغلین به تحصیل دلالت داشته باشد چرا که تعدادی از پذیرفته شدگان بنا به دلایلی برای ادامه تحصیل مراجعه نمی‌کردند و از آنجا که داوطلبان پذیرفته شده پس از ورود به ایران برای گذراندن دوره زبان فارسی عازم مرکز آموزش زبان فارسی و پس از آن دانشگاه‌های کشور می‌شدند، آمار دقیقی از وضعیت ادامه تحصیل آنان از سوی مراکز مذکور به این دبیرخانه ارائه نمی‌گردید.^{۱۰}

جدول ۲: آمار دبیرخانه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی از پذیرفته شدگان ۱۳۷۳-۱۳۸۲

منطقه			کشور	تعداد	درصد	
آسیا	افغانستان	۸۹۵	۱۲.۲۲	پاکستان	۵۴۹	۷.۴۹
	تاجیکستان	۳۶۸	۵.۰۲	چین	۲۲۳	۳.۰۴
	هند و کشمیر	۱۶۳	۲.۲۲	ترکیه	۱۵۲	۲.۰۷
	آذربایجان	۱۰۹	۱.۴۹	ترکمنستان	۶۱	۰.۸۳
	اندونزی	۵۸	۰.۷۹	روسیه	۵۷	۰.۷۸
	نخجوان	۵۰	۰.۶۸	قزاقستان	۴۳	۰.۵۹
	بنگلادش	۴۱	۰.۵۶	تایلند	۳۷	۰.۵۱
	قرقیزستان	۲۲	۰.۳۰	کره جنوبی	۲۲	۰.۳۰
	ژاپن	۲۰	۰.۲۷	گرجستان	۱۵	۰.۲۰
	سریلانکا	۱۴	۰.۱۹	ارمنستان	۱۳	۰.۱۸
	میانمار	۱۳	۰.۱۸	مالزی	۱۲	۰.۱۶
	بلغارستان	۱۰	۰.۱۴	مغولستان	۸	۰.۱۱
	ویتنام	۶	۰.۰۸	فیلیپین	۴	۰.۰۵
	بلاروس	۲	۰.۰۳	داغستان	۲	۰.۰۳
ازبکستان	۱	۰.۰۱	مالدیو	۱	۰.۰۱	
سوریه	۷۰۶	۹.۶۴	لبنان	۴۳۳	۵.۹۱	
عراق	۲۹۳	۴.۰۰	یمن	۳۴۲	۴.۶۷	
اردن	۱۸۶	۲.۵۴	فلسطین	۶۸	۰.۹۳	
عربستان	۴۰	۰.۵۵				
آفریقا	سعودی			عمان	۲۹	۰.۴
	کویت	۲۶	۰.۳۵	بحرین	۱۲	۰.۱۶
	قطر	۱۱	۰.۱۵	امارات متحده عربی	۸	۰.۱۱
	سودان	۲۳۹	۳.۲۶	غنا	۲۲۳	۳.۰۴
	کومور	۱۹۲	۲.۶۲	ساحل عاج	۱۵۵	۲.۱۲
	گامبیا	۱۳۵	۱.۸۴	گینه کوناکری	۱۱۳	۱.۵۴
	مراکش	۱۱۲	۱.۵۳	نیجر	۹۰	۱.۲۳
	سنگال	۸۶	۱.۱۷	سومالی	۸۱	۱.۱۱
	مالی	۷۰	۰.۹۶	کنیا	۶۳	۰.۸۶

۰.۰۳	۲	دانمارک	آسیا
۰.۰۱	۱	اتریش	
۰.۰۱	۱	انگلیس	
۰.۰۱	۱	بلژیک	
۰.۰۱	۱	سوئد	
۰.۰۸	۶	ایالات متحده	
۰.۰۵	۴	برزیل	
۰.۰۱	۱	ترینیداد	
۰.۰۱	۱	کلمبیا	
۰.۰۱	۱	کوبا	
۱۰۰	۷۳۲۶		

۰.۰۷	۵	تونس	آسیا
۰.۰۷	۵	گینه بیسائو	
۰.۰۴	۳	مالاوی	
۰.۰۳	۲	آنگولا	
۰.۰۳	۲	اریتره	
۰.۰۳	۲	رواندا	
۰.۰۳	۲	زامبیا	
۰.۰۳	۲	موزامبیک	
۰.۰۱	۱	زئیر	
۰.۵۱	۳۷	بوسنی و هرزگو	
۰.۳۵	۲۶	آلبانی	آسیا
۰.۱۲	۹	آلمان	
۰.۱۲	۹	اوکراین	
۰.۱۱	۸	لهستان	
۰.۱۰	۷	مقدونیه	
۰.۰۷	۵	رومانی	
۰.۰۵	۴	فرانسه	
۰.۰۴	۳	یونان	
۰.۰۳	۲	اسپانیا	

۰.۸۵	۶۲	چاد	آسیا
۰.۷۱	۵۲	بورکینافاسو	
۰.۶۸	۵۰	مصر	
۰.۶۴	۴۷	اتیوپی	
۰.۵۷	۴۲	بنین	
۰.۴۲	۳۱	تانزانیا	
۰.۳۵	۲۶	بروندی	
۰.۳۵	۲۶	موریتانی	
۰.۳۰	۲۲	لیبی	
۰.۲۶	۱۹	کامرون	
۰.۲۳	۱۷	آفریقای مرکزی	آسیا
۰.۲۳	۱۷	لیبریا	
۰.۲۲	۱۶	جیبوتی	
۰.۱۸	۱۳	توگو	
۰.۱۸	۱۳	نیجریه	
۰.۱۵	۱۱	الجزایر	
۰.۱۱	۸	گابن	
۰.۰۸	۶	اوگاندا	
۰.۰۸	۶	سیرالئون	
۰.۰۷	۵	آفریقای جنوبی	

+علت نادرستی این آمار به کارشناسان مختلف از دستگاه‌های متعدد نیز باز می‌گردد که از ابتدای فعالیت این دبیرخانه عهده دار این مسئولیت شده بودند. برای نمونه گزارشی که دکتر علی اصغر ورسه‌ای، رییس وقت دانشگاه، در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲۵ به شماره ۶۷۳۱ خطاب به بازرسان ریاست جمهوری ارسال کرده است تعداد این دانشجویان را "حدود ۵۰۰ دانشجوی خارجی" ذکر کرده است. در گزارشی نیز که روابط عمومی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در بهار ۱۳۸۳ با عنوان "گزارش عملکرد دهساله ۱۳۷۲-۱۳۸۲" منتشر کرده است آمار "دانشجویان خارجی دفتر پذیرش مرکز آموزش زبان فارسی" را در صفحه ۲۸ "۲۳۶۹" نفر از ۷۹ ملیت متفاوت" ذکر می‌کند اما در صفحه ۳۰ آن جدولی ارائه کرده که تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل را رقمی بالاتر از تعداد پذیرفته شدگان و بالغ بر "۲۳۶۳" نفر از ۷۷ ملیت ذکر کرده است. گزارشی که بر اساس صورت جلسات کمیته علمی تهیه شده است تعداد پذیرفته شدگان در هر سال را اعم از آنکه این نشست‌ها در محل دانشگاه یا در وزارت بوده است به شرح جدول شماره ۱ ارائه کرده است که بالاترین میزان پذیرش مربوط به سال ۱۳۸۱ است که رقم آن استثنائی و به دلیل پذیرش تعداد ۳۸۲ تبعه افغانستان از طریق آزمون بوده است و جمع این تعداد از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴ به میزان ۵۳۲۰ نفر بوده است. دشواری‌های سرسام آور بررسی تعداد شاغلین به تحصیل منحصر به این دوره طولانی بیش از ده سال گذشته ایران نیست بلکه در مورد شاغلین به تحصیل در حال حاضر نیز پراکندگی و اختلاف آماری جدی مشاهده می‌شود. آخرین آماری که در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تهیه و نگاهداری می‌شود مربوط به تاریخ ۱۳۸۶/۲/۸ است رقم دقیق دانشجویان غیر ایرانی شاغل به تحصیل در ایران را بر حسب کشور متبوع، جنسیت، نوع بورسیه، رشته و مقطع تحصیل، وضعیت خانواده و دانشگاه محل تحصیل طبقه بندی کرده و رقم کل آن را ۸۵۱ نفر از ۷۱ ملیت اعلام کرده است. (به جدول شماره ۳ نگاه کنید).

جدول دیگری که از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تهیه شده است حاکی از پراکندگی دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات آموزش عالی ایران است. (به جدول شماره ۴ نگاه کنید). چنان که جدول نشان می‌دهد تجمع عمده دانشجویان غیر ایرانی تنها در دو دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و دانشگاه تهران است که از نظر تعداد جذب و پذیرش دانشجویان غیر ایرانی مورد عنایت یکسانی از سوی اداره دانشجویان داخل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گرفته‌اند. اما مجموع دانشجویان در این دو آمار یکسان نیست و با وجودی که این آمار بیانگر وجود ۱۲۹ دانشجو در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی است برنامه رایانه‌ای این دانشگاه تنها ۱۱۰ دانشجوی غیر ایرانی را ثبت و ضبط کرده است.

جدول ۳: آمار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۸۵

ردیف	کشور	تعداد	جنس		نوع بورسیه			مقطع تحصیلی			وضع ازدواج		
			مرد	زن	بورسیه	نیمه بورسیه	هزینه شخصی	کارشنا سی	ارشد	دکتری	متاهل	مجرد	
۱.	اطریش	۳	۲	۱	۱	۲	۰	۰	۰	۲	۱	۳	۰
۲.	اتیوپی	۳	۳	۰	۱	۰	۲	۱	۲	۲	۰	۰	۳
۳.	اردن	۸	۷	۱	۴	۴	۰	۴	۰	۰	۴	۱	۷
۴.	ارمنستان	۴	۱	۳	۱	۳	۰	۲	۰	۲	۲	۰	۴
۵.	اسپانیا	۳	۲	۱	۰	۳	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۳
۶.	افغانستان	۱۴۵	۱۰۸	۳۷	۳۶	۹۶	۱۳	۸۱	۳۹	۲۵	۳۱	۱۱۴	
۷.	اوکراین	۶	۲	۴	۴	۲	۰	۲	۰	۴	۱	۰	۵
۸.	آلبانی	۳	۳	۰	۱	۲	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۳
۹.	الجزایر	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰
۱۰.	آلمان	۴	۲	۲	۰	۲	۲	۳	۱	۰	۰	۰	۴
۱۱.	امارات متحده عربی	۳	۳	۰	۰	۳	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۳
۱۲.	ایالات متحده	۲	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۲
۱۳.	اندونزی	۵	۳	۲	۳	۱	۱	۱	۳	۱	۰	۰	۵
۱۴.	بحرین	۳	۳	۰	۰	۱	۲	۱	۲	۱	۱	۱	۲
۱۵.	بلغارستان	۲	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۲	۰	۰	۲
۱۶.	بنگلادش	۳	۳	۰	۱	۲	۰	۱	۰	۲	۰	۳	۰

۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱۷. بورکینافاسو
۳	۳	۲	۰	۴	۰	۰	۶	۱	۵	۶	۱۸. بوسنی و هرزگوین
۸	۱۸	۱۷	۷	۲	۲	۸	۱۶	۷	۱۹	۲۶	۱۹. پاکستان
۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۲۰. تانزانیا
۳۴	۶	۱	۸	۳۱	۰	۲۵	۱۵	۹	۳۱	۴۰	۲۱. تاجیکستان
۴	۰	۲	۱	۱	۱	۳	۰	۳	۱	۴	۲۲. تایلند
۵	۱	۰	۲	۴	۰	۳	۳	۱	۵	۶	۲۳. ترکمنستان
۲۵	۸	۵	۱۰	۱۸	۲	۱۶	۱۵	۲۰	۱۳	۳۳	۲۴. ترکیه
۱۰	۷	۳	۵	۹	۱	۸	۸	۵	۱۲	۱۷	۲۵. آذربایجان
۲۸	۱۰	۵	۵	۲۸	۷	۱۶	۱۵	۱۵	۲۳	۳۸	۲۶. چین
۲	۰	۱	۰	۱	۰	۲	۰	۲	۰	۲	۲۷. دانمارک
۸	۱	۰	۱	۸	۰	۸	۱	۲	۷	۹	۲۸. روسیه
۲	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۲	۱	۱	۲	۲۹. رومانی
۷	۱	۳	۴	۱	۳	۵	۰	۴	۴	۸	۳۰. ژاپن
۲	۰	۰	۰	۲	۱	۰	۱	۱	۱	۲	۳۱. ساحل عاج
۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۳۲. سریلانکا
۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۳۳. سنگال
۴	۲	۳	۰	۳	۰	۲	۴	۰	۶	۶	۳۴. سودان
۱۲۵	۱۱	۱۸	۱۵	۱۰۳	۱	۱۰۰	۳۵	۱۰	۱۲۶	۱۳۶	۳۵. سوریه
۵	۰	۰	۰	۵	۰	۴	۱	۰	۵	۵	۳۶. سومالی

٣٧	عراق	٨٢	٤٦	٣٦	٥	١٧	٦٠	٥٥	٢٠	٧	٣	٧٩
٣٨	عربستان سعودی	٣	١	٢	٠	٠	٣	١	٢	٠	٠	٣
٣٩	عمان	٥	٣	٢	٠	١	٤	٢	٢	١	٠	٥
٤٠	غنا	٢	٢	٠	٢	٠	٠	٢	٠	١	١	١
٤١	فلسطين	٤	٣	١	٤	٠	٠	٣	١	٠	٠	٤
٤٢	فلسطين مقيم لبنان	٥	٥	٠	٣	٢	٠	٤	١	١	٠	٤
٤٣	فلسطين مقيم اردن	٣	١	٢	١	٢	٠	٣	٠	٠	٠	٣
٤٤	فلسطين مقيم سوريا	١١	١١	٠	٧	٤	٠	١٠	٠	١	١	١٠
٤٥	فيليبين	٤	٣	١	٢	٠	٢	٢	٠	٢	١	٣
٤٦	قرقيزستان	٣	٣	٠	١	٢	٠	٣	٠	٠	٠	٣
٤٧	قزاقستان	٢	١	١	١	١	٠	٠	٢	٠	٠	٢
٤٨	قطر	٢	٢	٠	٠	٢	٠	٢	٠	٠	٠	٢
٤٩	كامرون	١	١	٠	١	٠	٠	١	٠	٠	١	٠
٥٠	کره جنوبي	١٢	٩	٣	٠	٠	١٢	٤	٧	١	٣	٩
٥١	کره شمالي	١	١	٠	٠	٠	١	١	٠	٠	٠	١
٥٢	کنيا	١	١	٠	١	٠	٠	١	٠	٠	١	٠
٥٣	کوبا	٣	٣	٠	٢	٠	١	١	٢	٠	٠	٣
وضع ازدواج		مقطع تحصیلي			نوع بورسيه			جنس		تعداد	کشور	ردیف
متاهل	مجرد	دکتری	ارشد	کارشنا سی	هزینه شخصی	نیمه بورسيه	بورسيه	زن	مرد			

۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	کومور	۰.۵۴
۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۲	گابن	۰.۵۵
۳	۱	۴	۰	۰	۰	۰	۴	۳	۱	۴	گرجستان	۰.۵۶
۴۸	۱۳	۱۰	۵	۴۶	۱	۴۱	۱۹	۱۱	۵۰	۶۱	لبنان	۰.۵۷
۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	لهستان	۰.۵۸
۱	۱	۰	۱	۱	۰	۲	۰	۲	۰	۲	مالزی	۰.۵۹
۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	مالی	۰.۶۰
۲	۳	۳	۲	۰	۰	۲	۳	۵	۰	۵	مراکش	۰.۶۱
۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	مصر	۰.۶۲
۱	۱	۰	۲	۰	۰	۲	۰	۰	۲	۲	مقدونیه	۰.۶۳
۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	نیجر	۰.۶۴
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۳	۳	نیجریه	۰.۶۵
۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	نیوزیلند	۰.۶۶
۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	ویتنام	۰.۶۷
۳	۰	۰	۲	۱	۱	۱	۱	۰	۳	۳	هند و کشمیر	۰.۶۸
۱۲	۱	۲	۷	۴	۳	۳	۷	۲	۱۱	۱۳	هندوستان	۰.۶۹
۴۸	۱۴	۳	۱۲	۴۷	۲	۴۲	۱۸	۶	۵۶	۶۲	یمن	۰.۷۰
۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	یونان	۰.۷۱
۶۹۳	۱۵۸	۱۳۹	۱۸۸	۵۲۴	۱۳۸	۴۵۲	۲۶۱	۲۱۶	۶۳۵	۸۵۱	جمع کل	

نگاهی به نمودار شماره ۲ معلوم می‌نماید که این توجه مساوی تنها در تعداد دانشجویان است و نه در مقطع و رشته

تحصیلی چرا که دانشگاه بین‌المللی امام خمینی به دلیل تازه تأسیس بودن آن در حال حاضر تنها ۳۳ رشته تحصیلی دارد که در مقطع دکتری بیش از دو رشته ادبیات فارسی و ریاضی محض ندارد که این دو هم تنها در سال جاری اقدام به پذیرش دانشجویان نموده‌اند در حالی که دانشگاه تهران از برخوردار است و همین سبب شده تا در مقطع کارشناسی بیشترین تجمع دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بیشترین تجمع در دانشگاه تهران صورت پذیرد. نکته مهم دیگری که حاکی از توجه ویژه وزارت به دانشگاه تهران است تعداد بورسیه‌ای است که به دانشگاه تهران اختصاص یافته که بیش از سه برابر این میزان در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی است در حالی که میزان نیمه بورسیه^{۱۱} و تحصیل به هزینه شخصی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در حدود دو برابر دانشگاه تهران می‌باشد.

جدول ۴: پراکندگی دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران

دانشگاه	تعداد	درصد
بین‌المللی امام خمینی	۱۲۹	۱۵.۱۶
تهران	۱۲۹	۱۵.۱۶
تربیت مدرس	۵۴	۶.۳۵
علامه طباطبایی	۵۴	۶.۳۵
فردوسی مشهد	۵۴	۶.۳۵
شهید بهشتی	۴۰	۴.۷۰
اصفهان	۳۵	۴.۱۱
بوعلی سینا	۲۷	۳.۱۷
هنر	۲۳	۲.۷۰
شیراز	۲۲	۲.۵۹
مفید قم	۲۲	۲.۵۹
صنعتی امیرکبیر	۱۸	۲.۱۲
گیلان	۱۸	۲.۱۲
الزهرا	۱۷	۲.۰۰
علم و صنعت ایران	۱۷	۲.۰۰
مازندران	۱۷	۲.۰۰
شهید چمران	۱۴	۱.۶۵
صدا و سیما	۱۴	۱.۶۵
قم	۱۳	۱.۵۳
خواجه نصیرالدین طوسی	۱۱	۱.۲۹
تبریز	۱۰	۱.۱۸
صنعت نفت	۱۰	۱.۱۸
خبر	۹	۱.۰۶

۰.۳۵	۳	هنر اصفهان
۰.۲۴	۲	زنجان
۰.۲۴	۲	گرگان
۰.۲۴	۲	مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم
۰.۱۲	۱	پیام نور
۰.۱۲	۱	جامع علمی کاربردی
۰.۱۲	۱	شهید باهنر کرمان
۰.۱۲	۱	صنعت هواپیمایی کشور
۰.۱۲	۱	علوم دریایی چابهار
۰.۱۲	۱	علوم و حدیث قم
۰.۱۲	۱	مرکز آموزش اهل بیت
۰.۱۲	۱	مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

۰.۹۴	۸	صنعتی شریف
۰.۹۴	۸	کاشان
۰.۷۱	۶	امام صادق
۰.۷۱	۶	دانشکده اصول دین
۰.۷۱	۶	یزد
۰.۵۹	۵	ارومیه
۰.۵۹	۵	رضوی مشهد
۰.۴۷	۴	روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه
۰.۴۷	۴	صنعتی اصفهان
۰.۳۵	۳	تربیت معلم تهران
۰.۳۵	۳	تهران مجتمع آموزش عالی قم
۰.۳۵	۳	سیستان و بلوچستان
۰.۳۵	۳	مؤسسه آموزش عالی بیمه
۰.۳۵	۳	مؤسسه آموزش عالی کار قزوین

بررسی ۷۴۰۴ پرونده مردودان موجود در دبیرخانه پذیرش دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

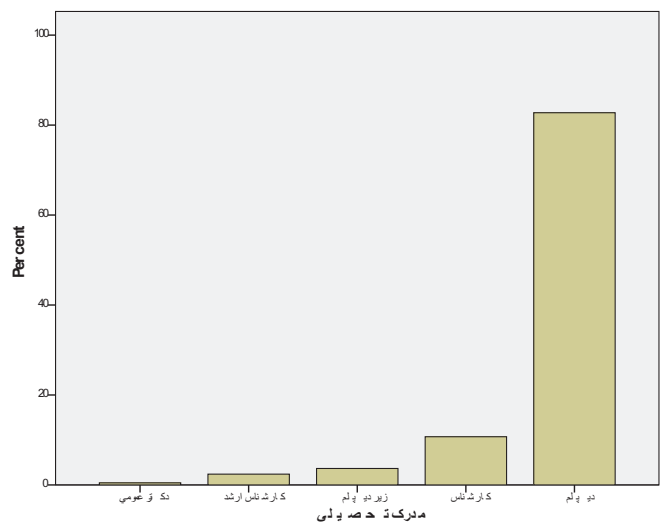
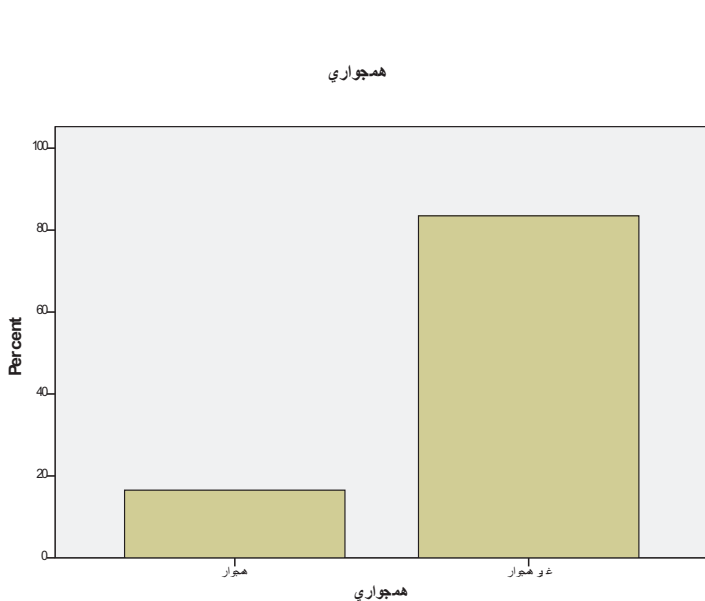
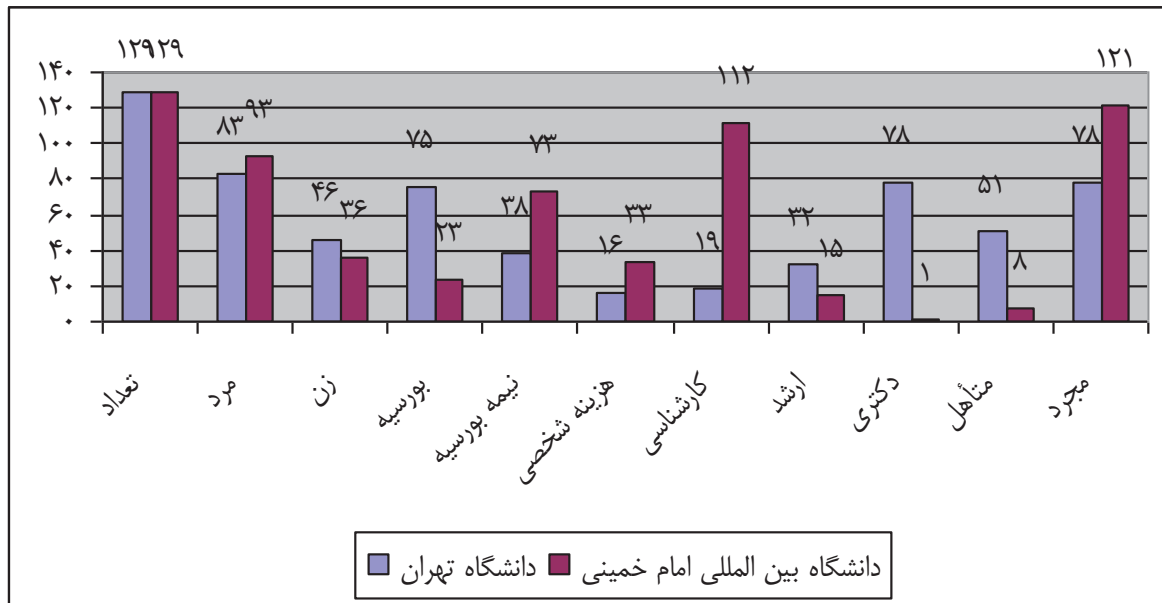
حاکمی از آن است میزان تقاضا برای ادامه تحصیل در دانشگاه با میزان پذیرش دانشجو از مناطق و ملیت‌های مختلف جهان یک

رابطه مستقیم دارد. از این تعداد مردودان، تعداد ۱ نفر از آمریکای جنوبی، ۲ نفر از اقیانوسیه، ۱۰ نفر از آمریکای شمالی، ۱۱

نفر از آمریکای مرکزی، ۱۹ نفر (۰.۳٪) از غرب اروپا، ۸۳ نفر (۱.۱٪) از شرق آسیا، ۹۱ نفر (۱.۲٪) از شرق اروپا، ۶۸۷ نفر

(۹.۳٪) از آسیای میانه و قفقاز، ۷۱۴ نفر (۹.۶٪) از شبه قاره، ۸۳۰ نفر (۱۱.۲٪) از خاورمیانه بودند در حالی که بیشترین آمار مردودان ۴۹۵۶ نفر (۶۶.۹٪) از آفریقای مرکزی و جنوبی بودند. تعداد ۱۲۲۳ مورد (۱۶.۵٪) از مردودان نیز از میان دولت‌های همسایه و تعداد ۶۱۸۱ مورد (۸۳.۵٪) از میان دولت‌های غیر همجوار درخواست شده بود.

نمودار ۲: مقایسه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و دانشگاه تهران در پذیرش دانشجوی غیر ایرانی



جدول ۵: آمار مردودان بر حسب کشور و درصد

کشورها	تعداد	درصد
غنا	۸۸۵	۱۲.۰
نیجریه	۴۸۹	۶.۶
سودان	۴۵۵	۶.۱
ساحل عاج	۴۴۱	۶.۰
پاکستان	۳۹۱	۵.۳
افغانستان	۳۷۱	۵.۰
کنیا	۳۲۸	۴.۴
اتیوپی	۲۸۲	۳.۸
هند	۲۷۹	۳.۸
سومالی	۲۰۲	۲.۷
گامبیا	۱۸۵	۲.۵
کومور	۱۶۸	۲.۳
سیرالئون	۱۶۵	۲.۲
سوریه	۱۶۲	۲.۲
چاد	۱۴۹	۲.۰
آذربایجان	۱۳۶	۱.۸
اردن	۱۳۲	۱.۸
مالی	۱۲۵	۱.۷

سنگال	۱۱۸	۱.۶
یمن	۱۱۱	۱.۵
تانزانیا	۱۱۰	۱.۵
بورکینافاسو	۹۸	۱.۳
عراق	۹۸	۱.۳
اوگاندا	۹۷	۱.۳
تاجیکستان	۹۶	۱.۳
بروندی	۸۶	۱.۲
جیبوتی	۸۳	۱.۱
کنگو	۷۵	۱.۰
لبنان	۷۵	۱.۰
مراکش	۶۹	۰.۹
بنین	۶۲	۰.۸
گینه	۵۶	۰.۸
مالاوی	۵۵	۰.۷
ترکیه	۵۲	۰.۷
توگو	۴۴	۰.۶
لیبی	۴۴	۰.۶
بوسنی	۳۸	۰.۵

آلبانی	۳۵	۰.۵
بنگلادش	۳۵	۰.۵
موریتانی	۳۴	۰.۵
مصر	۲۶	۰.۴
ترکمنستان	۲۵	۰.۳
گرجستان	۲۴	۰.۳
گابن	۲۳	۰.۳
لیبیا	۲۳	۰.۳
نخجوان	۲۲	۰.۳
فیلیپین	۲۱	۰.۳
آفریقای مرکزی	۱۸	۰.۲
اندونزی	۱۸	۰.۲
فلسطین	۱۶	۰.۲
آفریقای جنوبی	۱۴	۰.۲
چین	۱۴	۰.۲
زئیر	۱۴	۰.۲
کامرون	۱۳	۰.۲
اریتره	۱۲	۰.۲
تونس	۱۲	۰.۲

۰	۱	آلمان
۰	۱	اسپانیا
۰	۱	ایتالیا
۰	۱	برزیل
۰	۱	بلژیک
۰	۱	بلغارستان
۰	۱	پرتقال
۰	۱	ترکمنستان
۰	۱	رواندا
۰	۱	سائوتومه
۰	۱	سوئد
۰	۱	سوئیس
۰	۱	شیلی
۰	۱	لهستان
۰	۱	مغولستان
۰	۱	مکزیک
۱۰۰۰۰	۷۴۰۴	مجموع

۰.۱	۵	ماداگاسکار
۰.۱	۴	آنگولا
۰.۱	۴	ارمنستان
۰.۱	۴	زیمبابوه
۰.۱	۴	عمان
۰	۳	روسیه
۰	۳	زامبیا
۰	۳	ساحل عاج
۰	۲	ایرلند
۰	۲	چکسلواکی
۰	۲	رومانی
۰	۲	فرانسه
۰	۲	کرواسی
۰	۲	کره جنوبی
۰	۲	کوبا
۰	۲	نپال
۰	۲	نیوزیلند
۰	۲	هلند
۰	۲	یوگسلاوی

۰.۲	۱۲	نیجر
۰.۱	۹	سریلانکا
۰.۱	۹	مالزی
۰.۱	۹	موزامبیک
۰.۱	۸	ایران
۰.۱	۸	قزاقستان
۰.۱	۸	میانمار
۰.۱	۷	تایلند
۰.۱	۷	کلمبیا
۰.۱	۶	الجزایر
۰.۱	۶	انگلیس
۰.۱	۶	اوکراین
۰.۱	۵	امارات متحده عربی
۰.۱	۵	ایالات متحده
۰.۱	۵	بحرین
۰.۱	۵	سائوتومو
۰.۱	۵	کانادا
۰.۱	۵	کویت

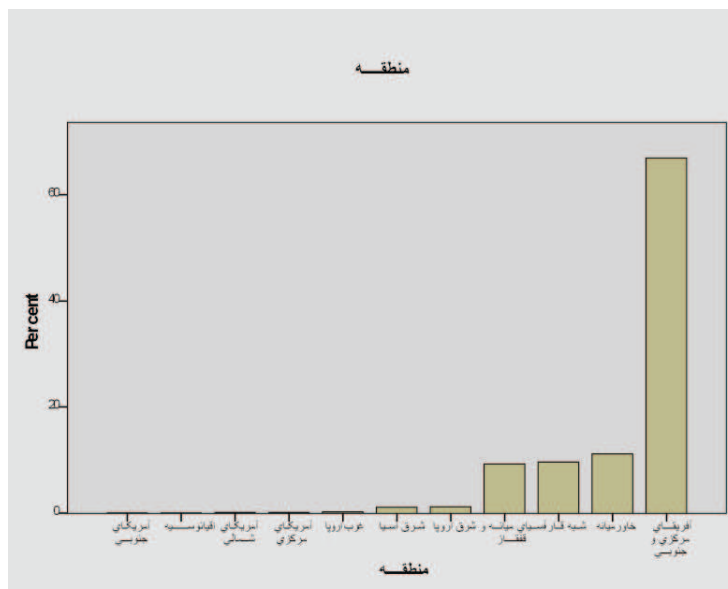
جدول ۶: آمار مردودان بر حسب جنس، مذهب، معرف و علت رد درخواست

			تعداد		درصد
جنس	مرد		۶۷۳۵	۹۱.۵	
	زن		۶۲۵	۸.۵	
مذهب	مسلمان		۷۱۲۸	۹۷.۸	
	مسیحی		۱۶۰	۲.۲	
عرف	درخواست شخصی		۲۹۱۰	۶۱.۰	
	وزارت امور خارجه		۸۵۸	۱۸.۰	
	وزارت علوم		۵۰۸	۱۰.۶	
	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی		۱۹۷	۴.۱	
	دانشگاهها		۸۷	۱.۸	
	حزب وحدت		۶۱	۱.۳	
	مدرسه امام مهدی		۴۸	۱.۰	
	وزارت بهداشت		۳۸	۰.۸	
	دفتر رهبری		۳۲	۰.۷	
	حزب الله		۲۷	۰.۶	
	بیمه اكو		۵	۰.۱	
	نهضت		۱	۰	
	دیپلم		۴۴۴۴	۸۲.۷	
دارای					
			مردود شدگان بر حسب سال		
			۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵
علت رد درخواست	کارشناسی	۵۷۶	۱۰.۷		
	زیر دیپلم	۱۹۷	۳.۷		
	کارشناسی ارشد	۱۲۹	۲.۴		
	دکتری عمومی	۲۵	۰.۵		
	نقص پرونده	۴۱۲۲	۵۶.۳		
	کمبود سن	۱۳۰۷	۱۷.۸		
	نقص مدرک	۱۲۶۷	۱۷.۳		
	انصراف	۳۵۲	۴.۸		
	مدرک ایرانی	۱۰۵	۱.۴		
	تکمیل ظرفیت	۷۵	۱.۰		
عدم تأیید مراجع	۷۰	۱.۰			
اخراج	۲۱	۰.۳			
بیماری	۵	۰.۱			

۰.۱	۴	۱۳۷۲
۰	۲	۱۳۷۱
۰	۱	۱۳۷۰

۳.۹	۲۶۸	۱۳۷۳
۲.۵	۱۸۷	۱۳۸۰
۱.۷	۱۲۸	۱۳۸۲
۱.۶	۱۲۱	۱۳۸۱

نمودار ۵: درصد مردودان بر حسب مناطق جغرافیایی



جدول ۷: آمار پذیرفته شدگان بر حسب سال، نوع بورسیه و رشته و مقطع تحصیلی

قاره	تعداد کشورها	بورسیه	نیمه بورسیه	هزینه شخصی	ع انسانی	فنی		
آسیا	۱۶	۳۴	۶۳	۱۲۱	۳۱	۷۸	۲۹	
آفریقا	۶	۱۷	۱۳	۷	۱۰	۳۷	۰	
اروپا	۳	۸	۹	۰	۱	۱۵	۹	
آمریک	۱	۲	۱	۱	۰	۲	۱	
کا								
جمع	۲۶	۴۱	۶۳	۷۸	۳۵۲	۱۳۱	۳۶	۲۹

موانع و مشکلات

در بخش نخست این پژوهش به تحولاتی که در سیاستگذاری آموزشی صورت گرفت پرداخته شد و معلوم شد که با گذشت زمان اولویت بندی‌های مربوطه مورد تجدید نظر قرار گرفت اما هیچگاه نه قانون تأسیس مورد بازنگری قرار گرفت و نه اساسنامه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. علاوه بر این قبیل تفاوت‌ها و تضادهای قانونی، مشکلاتی هم بطور اتفاقی و حتی عادی بر سر راه سیاست پذیرش دانشجوی غیر ایرانی بوجود می‌آمد که با عدم توجه دقیق و راهبردی به آن بطور فزاینده ادامه یافت و نتیجه آن همین فراز و نشیبی است که در تعداد پذیرش مشاهده می‌شود. برخی از این موانع و مشکلات از اعمال نظر و سلیقه شخصی و عبارتی سهل انگاری مقامات مسئول دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره در اعمال قانون و اساسنامه ناشی می‌شد. من سال‌ها شاهد بودم که چگونه مقامات دانشگاه در دوره‌های مختلف تلاش می‌کردند تا از مزیت نزدیکی به تهران برای افزایش تعداد دانشجویان ایرانی که سازمان سنجش اعلام می‌کند و کسب اعتبارات بیشتر بودجه استفاده کنند.

ناتوانی در جذب نیروهای کارشناس، عدم مدیریت راهبردی و کوتاهی در صرف وقت لازم برای سرپرستی این دانشجویان غیر ایرانی باعث حیف و میل در هزینه بودجه و عدم استفاده بهینه از امکانات اندک موجود شده بود. اینجانب که سال‌ها پیش مسئولیت مدیریت امور دانشجویی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی را برعهده داشتم شاهد بودم که چگونه میان معاونت دانشجویی دانشگاه و سرپرستی دانشجویان غیر ایرانی برای در انحصار درآوردن امور دانشجویان غیر ایرانی رقابت صورت می‌گرفت. سرپرستی با استناد به قانون تأسیس، اولویت هزینه اعتبارات دانشگاه را در امور دانشجویان غیر ایرانی می‌دانست و معتقد بود که باید امکانات مناسب‌تری را برای این دسته از دانشجویان فراهم کرد در حالی که از نظر معاونت دانشجویی آن حوزه نیز باید همچون دانشجویان داخل به زیر نفوذ این معاونت درآید و تفاوتی میان دانشجویان داخلی و خارجی وجود نداشته باشد و چون موفق به تأمین خواسته خود نمی‌شد از تأمین اعتبارات مورد نیاز آن سرپرستی کوتاهی می‌کرد. سرپرستی هم که به تنهایی از اعمال یک نظارت کافی بر امور معیشتی و فوق برنامه دانشجویان غیر ایرانی ناتوان بود یارای رفع نواقص تأسیسات خوابگاهی آنها را نداشت چه رسد به پرداختن به امور فرهنگی و برگزاری اردوهای تفریحی و که نمونه اخیر آن در نوروز ۱۳۸۶ بود که در اردوی تفریحی اصفهان که برای دانشجویان غیر ایرانی برگزار کرده بود از اجرای برنامه فرهنگی آن باز ماند.

از اینها گذشته برخی از موانع و مشکلات ناشی از تفاوت در رفتار و سبک زندگی ایرانیان و مردم محل است. نه فقط

برای مردم محلی بلکه برای دانشجویان ایرانی نیز این عجیب و غیر قابل تحمل است که یک دانشجوی پسر غیر ایرانی با مایو برای خرید به فروشگاه محلی بیاید یا از بالکن خوابگاه خود به بیرون ادرار نماید. اینکه یک عده دانشجوی چینی در خوابگاه دانشجویی خود گربه را کشته، پخته و خورده باشند حتما برای دانشجویان ایرانی و غیره مشمئز کننده و چندان آزر خواهد بود و واکنشی ولو محترمانه اما بالاخره معترضانه در پی خواهد داشت که بارها داشته است. در برخی موارد مثل حضور دانشجویی با رنگ پوست قهوه‌ای سوخته یا چشمانی همیشه نیمه بسته در میان دانشجویان ایرانی یا زنان محجبه عربی که با لباس‌های رنگارنگ خود در حین صحبت بطور مرتب دست و تن خود را حرکت می‌دهند بطور ناخودآگاه موجب تعجب دانشجویان ایرانی و دیگر افراد محلی در اماکن عمومی بیرون دانشگاه می‌شود. رفتار برخی فروشندگان و رانندگان تاکسی نیز که هزینه بیشتری را برای خدمات خود طلب می‌کنند از دیگر موانع این دست است. به منظور بررسی مشکلات این دانشجویان، پرسشنامه‌ای تهیه و در میان ۲۵ نفر از دانشجویان دختر و پسر غیر ایرانی مشغول تحصیل در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی از ملیت‌های مختلف توزیع کردم.

جدول ۸: جامعه دانشجویان پرسش شونده

ترکیه	۳	۱۲	جنس	تعداد	درصد
قزاقستان	۲	۸	مرد	۱۷	۶۸
سومالی	۲	۸	زن	۸	۳۲
تاجیکستان	۲	۸	متاهل	۴	۱۶
کره جنوبی	۲	۵	مجرد	۲۱	۸۴
هند	۱	۴	۳۵-۳۰	۱	۴
روسیه	۱	۴	۲۹-۲۵	۷	۲۸
دانمارک	۱	۴	۲۴-۲۰	۱۷	۶۸
تایلند	۱	۴	افغانستان	۵	۲۰
آذربایجان	۱	۴	عراق	۴	۱۶

۶۸	۱۷	رشته دانشگاهی	

۴	۱	فارسی پایه	مشغول تحصیل در دوره
۱۶	۴	فارسی پیشرفته	
۱۲	۳	پیش دانشگاهی	

۴۰ درصد پرسش شوندگان، فرهنگ اسلامی و ایرانی را عامل اصلی انتخاب کشور ایران برای تحصیل دانشگاهی خود

برگزیدند و بعد از آن ۳۶ درصد به اهمیت زبان فارسی

در این انتخاب خود اشاره داشتند و باقی به مواردی

همچون نزدیکی به محل اقامت و کشور متبوع خود

توجه داشتند. ۳۱ درصد از پرسش شوندگان در پاسخ

به اینکه چرا دانشگاه بین‌المللی امام خمینی را برای

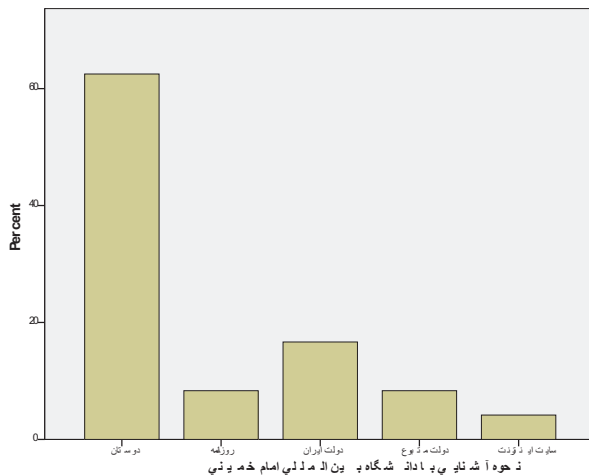
ادامه تحصیل برگزیده‌اند از آشنایی پیشین خود یاد

کرده‌اند و با توجه به اینکه ۱۵ درصد نیز ساکن شهر

قزوین و حومه آن بوده‌اند ۲۱ درصد هزینه کمتر

تحصیل و اقامت در این شهر را عامل تعیین کننده

تصمیم خود ذکر کرده‌اند.



۶۲ درصد پرسش شوندگان از طریق دوستان خود با دانشگاه بین‌المللی امام خمینی آشنا شده‌اند که در مقایسه با ۱۶.۷

درصدی که از طریق فعالیت دستگاه‌های دولتی به دانشگاه راه یافته‌اند یا

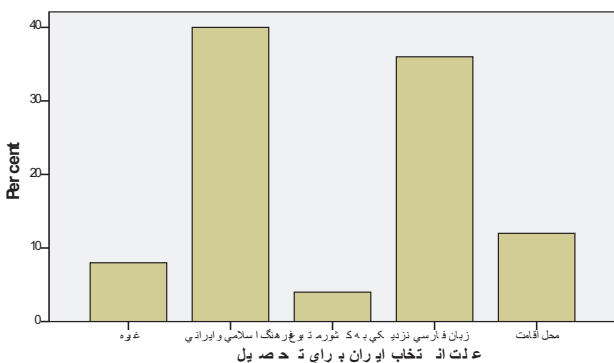
۸.۳ درصدی که از طریق دولت متبوع خود یا آگهی روزنامه‌ها پی به وجود

چنین دانشگاهی برده‌اند حایز اهمیت بسیاری است. رفاه و خشنودی

دانشجویان کنونی عامل تعیین کننده‌ای در اقبال یا عدم اقبال داوطلبان غیر

ایرانی به این دانشگاه خواهد بود. جدول ۹ بیانگر میزان رضایت این

دانشجویان از ابتدای آشنایی آنها با دانشگاه تا انتهای تحصیل آنها می‌باشد.



با وجودی که ۹۵.۸ درصد دانشجویان هیچگونه محدودیتی در انجام مراسم مذهبی خود اظهار نکرده‌اند و از نظر ۹۲ درصد آنان نیز محدودیتی در تشکیل انجمن‌های فرقه‌ای، قومی و ملی خود احساس نشده است اما احساس محدودیت مذهبی برای ۴.۲ درصد آنها به نظر می‌رسد که مربوط به دانشجویان کره‌ای و تایلندی باشد که عمدتاً بودایی هستند یا از ابراز آیین مذهبی خود خودداری کرده‌اند و محدودیت فرقه‌ای، قومی و ملی برای ۸ درصد دانشجویان غیر ایرانی هم قابل توجه و عاملی برای انزواطلبی آنان شده است. ۶۰ درصد دانشجویان غیر ایرانی پرسش شونده در برنامه‌های فرهنگی و فوق برنامه دانشگاه شرکت نمی‌کنند و این در حالی است که ۷۳.۹ درصد آنان وضعیت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه را متوسط و خوب ارزیابی کرده‌اند. ۸۴ درصد آنان نیز در انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی ایرانیان شرکت نمی‌کنند و این نشان می‌دهد که حضور دانشجویان ایرانی در کنار آنها نتوانسته به دوستی و نزدیکی میان آنها کمک شایانی بنماید. با وجودی که برای ۵۲ درصد اینان فرقی نمی‌کند که با کدام گروه دانشجویی فعالیت و همکاری نمایند اما تمایل ۸ درصد آنان برای همکاری با گروه‌های ایرانی، ۱۲ درصد با گروه‌های کشور متبوع خود و ۲۰ درصد با کشورهای دیگر حاکی از این است که توجه و تشویق دانشجویان غیر ایرانی به مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان ایرانی می‌تواند آنها را از انزوا رها کرده و زندگی با نشاطی را در طول اقامتشان در ایران و شهر و دانشگاه فراهم کرد. در نتیجه رقم ۷۵ درصدی که برای ادامه تحصیل در مقطع بعدی این دانشگاه اظهار بی‌علاقگی کرده‌اند علامت‌دهنده شوند.

جدول ۹: احساس دانشجویان غیر ایرانی از وضعیت دانشگاه

ضعیف (درصد)	متوسط (درصد)	خوب (درصد)	
۴۱.۷۰	۴۵.۸۰	۱۲.۵۰	وضعیت اطلاع رسانی دانشگاه
۳۹.۱۰	۳۹.۱۰	۲۱.۷۰	وضعیت استقبال
۳۶.۰۰	۶۴.۰۰	۰	نحوه برخورد مسئولان دانشگاه
۲۴.۰۰	۶۴.۰۰	۱۲.۰۰	نحوه برخورد دانشجویان
۳۳.۳۰	۶۲.۵۰	۴.۲۰	نحوه برخورد مردم قزوین

۳۲.۰۰	۵۶.۰۰	۱۲.۰۰	وضعیت مسکن دانشجویی
۵۶.۰۰	۴۴.۰۰	۰	وضعیت غذای دانشجویی
۱۳.۶۰	۶۸.۲۰	۱۸.۲۰	وضعیت ورزشگاه‌های دانشجویی
۲۶.۱۰	۶۰.۹۰	۱۳.۰۰	وضعیت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه

نتیجه

بررسی سیاست‌های جذب و پذیرش دانشجوی غیر ایرانی و همچنین روند پذیرش و تحولات آنها حاکی از نقائص و کمبودهایی است که می‌توان با بازنگری و تدوین راهبردی مشخص و همچنین اصلاح مشکلات موجود به حل آنها فایز آمد.

نکته نخست اینکه سیاست جذب و پذیرش دانشجوی خارجی یکی از سرخط‌های مهم سیاستگذاری آموزشی کشورهای جهان بوده و با رویکردهای متفاوتی همچون فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مورد توجه دولت‌های توسعه یافته و در حال توسعه قرار دارد. تعداد دانشجویان خارجی در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۰ برابر ۳۱۱۸۸۲ نفر بود و در سال ۲۰۰۱ به رقم ۵۴۷۸۶۷ نفر افزایش یافت. در فرانسه تعداد دانشجویان خارجی در سال ۱۹۸۰ تنها ۱۱۰۷۶۳ نفر بود که در ۱۹۹۳ به ۱۳۹۵۶۲ نفر بالغ گردید.^{۱۲} در ژاپن نیز در سال ۱۰هزار دانشجوی خارجی در دانشگاه‌های این کشور ۱۹۸۳ میلادی تنها ۲۰۲۵ است که در سال اکنون به ۱۰ برابر افزایش یافته و دولت ژاپن تصمیم گرفته مشغول به تحصیل بودند که این تعداد هم به یک میلیون نفر افزایش دهد.^{۱۳} دانشگاه گلاسکو انگلستان به تنهایی با ۲۰۰۰۰ نفر دانشجو میلادی تعداد این دانشجویان را نزدیک به ۱۵٪ یعنی ۳۰۰۰ نفر دانشجوی خارجی را در خود جای داده است. این موضوع مورد توجه کشورهای جنوب و در حال توسعه نیز واقع شده و از روند رو به رشدی برخوردار بوده است. تعداد دانشجویان خارجی در ترکیه در ۱۹۸۰ برابر دانشجوی خارجی در جمهوری آذربایجان و تعداد نفر بود اما در ۱۹۹۶ به ۱۴۷۱۹ نفر افزایش یافت و تعداد ۳۹۸۶ ۶۶۵۵ نفر در مصر در سال ۱۹۹۶ قابل توجه است. این موضوع به دلایلی که گفته شد در جمهوری اسلامی ایران نه تنها قابل ۶۷۲۶ مقایسه با تلاش دیگر کشورها نیست بلکه مورد توجه کافی نبوده بلکه از آهنگ رو به رشدی نیز برخوردار نمی‌باشد. چنانچه تکلیف جذب و پذیرش دانشجویان ایرانی دارای تابعیت بیگانه یا دانشجویان غیر ایرانی که در داخل کشور مدرک دبیرستانی اخذ کرده‌اند روشن گردد به نظر می‌رسد که افزایش چشمگیری در این روند صورت پذیرد.

نکته دوم اینکه گرچه تمرکز دانشجویان غیر ایرانی در یک دانشگاه که خارج از تهران ولی نزدیک به تسهیلات پایتخت باشد تا امکانات کافی و درخور شأن جمهوری اسلامی تدارک گردد ایده قابل توجهی است اما گسترش مراکز آموزش عالی کشور و رشد علمی و امکانات رفاهی آنها در سال‌های اخیر نیاز به بازنگری را موجه ساخته و دانشگاه‌های بزرگی که در استان‌های مرزی کشور شکل گرفته یا با حمایت از دانشگاه‌های بزرگ بتوان شعب و پردیس‌هایی در مراکز استان‌های مرزی دایر کرد کمک بسیاری به داوطلبان کشورهای همجوار ایران می‌کند. تعداد داوطلبان پذیرفته شده که عمدتاً از کشورهای همسایه‌ای چون افغانستان و پاکستان و عراق هستند گویای این مهم است. اگر جمهوری اسلامی هنوز به سطحی از علم نرسیده باشد که محل تمرکز دانش پژوهان و دانشجویان کشورهای توسعه یافته باشد حداقل نباید از این موقعیت همسایگی کشورهای کمتر توسعه یافته که می‌تواند برای ارتقای سطح علمی آنها و در نتیجه خود مفید باشد غفلت نماید. آنچه عجیب می‌نماید این است که برخی از مسئولان دانشگاه با شنیدن ابراز تمایل دانشجویان کشورهای همسایه به تحصیل در ایران روی در هم می‌کشند و تنها به درخواست‌های اروپایی می‌اندیشند. اینان که نه امور کوچک را در شأن خود می‌دانند نه توان انجام کارهای بزرگ دارند به این موضوع نمی‌اندیشند که صرف بودجه کشور برای اعطای بورسیه در رشته‌هایی که خود واردکننده آن هستیم نمی‌تواند سودمندتر از تقویت رشته‌هایی مثل ادب فارسی و معارف اسلامی باشد که معدن و منبع آن هستیم.

اصلاح مدیریت، تعیین مدیران برجسته و دلسوز به اهداف دانشگاه و افرادی که اگر سمت‌های دیگری دارند اما وجهه نظر اول خود را در گسترش دانشگاه نهاده و وقت و همت خود را صرف این مهم نمایند از آرزوهای دیرینه شده است. برای مثال اینجانب که از سال ۱۳۷۴ به خدمت در این دانشگاه مشغول هستم از نزدیک عدم تسلط رییسان مختلف این دانشگاه به زبان انگلیسی را شاهد بوده‌ام و کارشناسانی که عددشان کمتر از انگلستان دست است به زبان انگلیسی مسلطند و همه اینان نیز در سمت‌های دیگری که نیازی به زبان انگلیسی ندارد مشغولند و بارها مشاهده کرده‌ام که از انگلستان یا هندوستان با دانشگاه تماس گرفته‌اند ولی کسی یارای پاسخگویی آنان نبوده است. حال چگونه ممکن است در چنین دانشگاه بین‌المللی بتوان کلاس‌های درسی را به زبان‌های اردو و عربی و انگلیسی اداره کرد.

متأسفانه مسائل سیاسی و جناحی در این دانشگاه نیز همچون دیگر دانشگاه‌ها رسوخ چشمگیری داشته است. اختلاف میان جناح‌های چپ و راست و اصلاح طلب و اصول‌گرا همیشگی بوده و هر بار نیز یک گروه قدرت اجرایی را در دست گرفته‌اند بطوری که حتی در یک دوره نیز هیئت ریسه دانشگاه از میان اعضای هیئت مرکزی حزب مشارکت در قزوین

برگزیده شده بودند. این در حالی است که این دانشگاه از جمله طرح‌های مهم ملی کشور بشمار آمده و قانون تأسیس و اساسنامه آن برای این دانشگاه یک شأن فراملی، اسلامی و بین‌المللی قائل شده است و نباید در گیرودار فعالیت‌های جناحی گرفتار شود.

مسئله دیگر عدم تشکیل جلسات مرتب هیئت امنای این دانشگاه است. طبق قانون، هیئت امنای این دانشگاه از وزیران عالی‌رتبه امور خارجه و فرهنگ و ارشاد اسلامی و برخی دیگر از مقامات ارشد نظام تشکیل شده است که باید با حضور ریاست رییس جمهور تشکیل جلسه دهد ولی نه آقای خاتمی به تشکیل جلسه با حضور خود اقدام کرد و نه آقای احمدی نژاد تاکنون چنین کرده است. این در حالی است که حل مشکلات مالی و تصویب برنامه جامع این دانشگاه منوط به طرح و بررسی در هیئت امنای دانشگاه است و مشارکت مقامات و سازمانهای مؤثر در این هیئت است که می‌تواند امکانات لازم برای توسعه دانشگاه را بصورتی واقعی تأمین نماید و مشارکت سازمانهایی مثل مدیریت و برنامه ریزی کشور جلب کند.

توجه به وضعیت فرهنگی و فوق برنامه دانشجویان غیر ایرانی و تشویق فعالیت‌های مشترک با دانشجویان ایرانی و تشکل‌های ورزشی آنان راهکار دیگری است که می‌تواند موجب تقویت الفت و دوستی و در نتیجه آسودگی خاطر آنان در مدت اقامت در ایران باشد. برگزاری مسابقات ورزشی گوناگون، اعطای کمک‌های مالی برای ایجاد تشکلهای علمی و فرهنگی دانشجویی اوقات فراغت دانشجویان غیر ایرانی و خانواده‌های آنان را پر می‌کند و زمینه دلبستگی به محل آموزشی خود را فراهم می‌کند.

پرسشنامه علایق و مشکلات دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

دانشجوی عزیز: این پرسشنامه برای تکمیل یک مطالعه دانشگاهی و بهبود وضعیت دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاه است. خواهشمند است بدون درج نام خود، حداکثر در ۱۰ دقیقه جای خالی را پر کنید و در دایره مناسب علامت بزنید. از همکاری شما در ارائه نقطه نظرات ارزشمندتان صمیمانه تشکر می‌کنم. دکتر بهرام نوازی

مرد زن مجرد متأهل سن تبعه متولد شهر

آیا گذرنامه ایرانی دارید؟ بلی خیر

در حال حاضر در کدام دوره آموزشی ثبت‌نام کرده‌اید؟ فارسی پایه فارسی پیشرفته پیش‌دانشگاهی رشته دانشگاهی

اگر هنوز انتخاب رشته نکرده‌اید، به کدام رشته دانشگاهی علاقمند هستید؟ معدل دیپلم دبیرستان شما چند است؟

اگر انتخاب رشته کرده‌اید، این رشته انتخاب چندم شما بوده است؟ معدل نمرات پیش‌دانشگاهی شما چند است؟

چرا کشور ایران را برای ادامه تحصیل خود برگزیده‌اید؟

محل اقامت زبان فارسی نزدیکی به کشور متبوع فرهنگ اسلامی و ایرانی غیره (لطفاً نام ببرید)

چرا این دانشگاه را برای ادامه تحصیل خود برگزیده‌اید؟ هزینه کمتر محل اقامت آشنایی پیشین غیره (لطفاً نام ببرید)

از چه طریقی برای اولین بار با تحصیل در این دانشگاه آشنا شدید؟

سایت اینترنت دولت متبوع دولت ایران روزنامه دوستان غیره (لطفاً نام ببرید)

معرف شما برای پذیرش در دانشگاه چه ارگان یا نهادی بوده است؟ درخواست شخصی دولت متبوع دولت ایران غیره

نوع پذیرش شما کدام است؟

بورسیه دولت ایران بورسیه دولت متبوع نیمه بورسیه دولت ایران نیمه بورسیه دولت متبوع به هزینه شخصی

وضعیت اطلاع رسانی دانشگاه برای پذیرش شما چگونه بود؟ خوب متوسط ضعیف (لطفا در یک خط توضیح دهید)
شما از چه طریقی از پذیرش خود مطلع شدید؟ تلفن دانشگاه به شما نامه دانشگاه به شما تلفن شما به دانشگاه مراجعه حضوری

از زمان درخواست شما برای تحصیل در دانشگاه تا اعلام پذیرش نهایی از سوی دانشگاه چقدر طول کشید؟

هزینه تحصیل در این دانشگاه در مقایسه با دیگر دانشگاه‌ها چگونه است؟ بیشتر برابر کمتر (لطفا در یک خط توضیح دهید)

وضعیت استقبال از شما چگونه بود؟ مطلوب متوسط نامطلوب (لطفا در یک خط توضیح دهید)

نحوه برخورد مسئولان دانشگاه با دانشجویان غیر ایرانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مطلوب متوسط نامطلوب (لطفا در یک خط توضیح دهید)

نحوه برخورد دانشجویان دانشگاه با دانشجویان غیر ایرانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مطلوب متوسط نامطلوب (لطفا در یک خط توضیح دهید)

نحوه برخورد مردم قزوین با دانشجویان غیر ایرانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مطلوب متوسط نامطلوب (لطفا در یک خط توضیح دهید)

وضعیت مسکن دانشجویی چگونه است؟ مطلوب متوسط نامطلوب (لطفا در یک خط توضیح دهید)

وضعیت غذای دانشجویی چگونه است؟ مطلوب متوسط نامطلوب (لطفا در یک خط توضیح دهید)

آیا در گروه‌های ورزشی دانشگاه عضویت دارید؟ بلی خیر

وضعیت ورزشگاه‌های دانشجویی چگونه است؟
خط توضیح دهید)

مطلوب متوسط نامطلوب (لطفا در یک

آیا در انجام مراسم مذهبی خود محدودیتی وجود دارد؟

بلی خیر اگر بلی لطفا نام ببرید.

آیا در برنامه‌های فرهنگی دانشگاه شرکت می‌کنید؟

بلی خیر

وضعیت برنامه‌های فرهنگی دانشجویی چگونه است؟
توضیح دهید)

مطلوب متوسط نامطلوب (لطفا در یک خط

آیا با انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویان ایرانی همکاری می‌کنید؟

بلی خیر

آیا در تشکیل انجمن‌های فرقه‌ای، قومی و ملی خود محدودیتی وجود دارد؟

بلی خیر

اگر بلی لطفا نام ببرید.

شما با کدامیک از دانشجویان همکاری بیشتری دارید؟

دانشجویان ایرانی دانشجویان کشور متبوع دانشجویان کشورهای دیگر فرقی نمی‌کند

هیچکدام

نیک‌ترین خاطره بیادماندنی خود را در ایران در یک خط تشریح کنید؟

زشت‌ترین خاطره بیادماندنی خود را در ایران در یک خط تشریح کنید؟

بعد از اتمام این دوره آموزشی، آیا مایل هستید در همین دانشگاه تحصیل خود را ادامه دهید؟

بلی خیر لطفا علت

خود را در یک خط توضیح دهید)

پیشنهاد شما برای بهبود وضعیت آموزشی و رفاهی دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاه چیست؟